هفته نامهء
اتحاد اسلامی
شمارهء
فوق العاده
بیانگر آرمان اتحاد اسلامی افغانستان

PROPERTY OF ACKU

ازبکستان در افغانستان مداخله میکند (رئیس جمهور ربانی)
ص(۱۲)

احترام کعبة الله حرمت قرآن چه شد ؟!
ص (۷)

شمارهء مسلسل(۳۲۶)سال دهم ـ شمارهء سییم پنجشنبه (٤) حمل ۱۳۷۳ هـ ش (۱۲) شوال ۱٤۱٤ هـ ق (۲٤) مارچ ۱۹۹٤میلادی قیمت (۵۰) افغانی (یک روپیه)

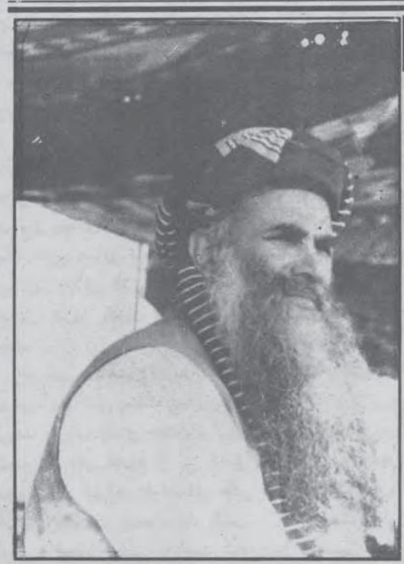

د اتحاد اسلامی مجاهد امیر استاد سیاف د هغه وینا متن چی د رمضان په (۲۹) د هجرت کلی په جامع جومات کی اوروِلی وه:

● حزب اسلامی خلك ددی ملت جز دی، ددی خاوری جز دی، دوی دمسلمانانو یوه برخه ده خو قیادت یی سخت ناروا قیادت ده او دا بیچاره مسلمانان یی اری ماشین ته وراندی کړی. په ناروا باندی دوی اره کوی ..

● اوس هم موږ په دی لټه کی یوچی په افغانستان کی دی یو سالم نظام او یو سالم قیادت رامنځ ته شی هغه نظام چی خدای پری راضی وی، هماغه قیادت چی خدای ته منقاد وی او پاك خدای دی افغانستان هغو خلکوته وروسپاری چی دوی له خدایه ویریږی خدای ته نږدی وی او په مخلوق دخدای باندی رحم ولری... (۳) مخ

ددایمی سولی په خاطر دوزیرانو شورا طرحه
(۱۲) مخ

مأمور محمد خان داتحاد اسلامی افغانستان د بغلان دجهادی چارومسؤل او دبغلان ولایت د۷۷۳ غونډ او ۲۰ فرقی قوماندان د اتحاد اسلامی جریدی سره په مرکه کی (۹)مخ

بی اعتنائی حکمتیار به تلاش های صلح
ص(۲)

دشهادت دروغبانی لمند!
ص(۹)

بنام خداوندی که بی اندازه مهربان و نهایت با رحم است

سرمقاله

دکابل پرغم ځیلی ښار داختر راتګ ... دګولیو باران او دلوږی تویان ...

وړوکی اختر په واقع کی درمضان په ستر ازمیښت کی دمسلمانانو بری او دهغو خوښیو اظهار دی چی مومنان په دی توده معرکه کی دانسان پرپیروسترو باطنی دښمنانو (اماره نفس اوشیطان) باندی غالب راغلی دی او همدارنګه دهغو خوښیو اظهاردی چی مسلمانان یی دالهی ستری فریضی دانجاْمولو نه وروسته کوی .. دادمسلمانانو حق دی .. الله جل جلاله په خپلو خاصو پیرزوینو سره دوی ته ورکړی دی او رسول کریم صلی الله علیه وسلم هم فرمایلی دی چی دهر امت لپاره اختر دی ..:. هو دادتوجه وړده چی په اسلام کی اختر دجاهلی اخترونو څخه بنیادی توپیر لری او هغه داچی په جاهلی اختر ونو کی دفساد غونډو ، محافلو او انواعوته لارونق ورکول کیږی او نوی بنی غوره کوی ، مګر په اسلام کی داجتماعی عدالت ، سولی ، اخوت ، پیرزوینی ،ایثار تفقد اونوروسو انسانی اړیکو اومناسباتو ټینګول ، پرهمدغواصولو دعهدتجدید ،له غم ځپلوسره غمرازی، دیتیمانو، لوږوبرښډوږورو وراروستونځو ته رسیدل او دهغوی له سره دمصیبتونو اوغمونو بار لری کول اودالله جل جلاله درضاپه خاطر ، غم جن ، مرور، بیل اومات زړونه سره نږدی کول او رغول دی ...

زموږګران هیواد افغانستان په عمومی توګه دتیروڅوارلسوکلونو په دوران کی داخترونو په خوندنه دی پوه شوی اوتیر کمونست رژیمونه ددوی دمعمول له مخی همدغه داختر بختوری ورځی زموږدمسلمان ولس دتکولو لپاره ښه مناسب ګڼل اودهیواد په لروبروسیمو کی به یی مخکنی او هوایی قواوی رامرشی کړی او خلك به یی داختر په ورځو کی دغم به سیلابونو کی لاهوکول ..خو پروسږ او سږ کال چی په افغانستان کی سیاسی واګی دمجاهدینوپه لاس پر یوتی دی که څه هم دهیواد په نوروسیمو کی نسبتاً داړمن حالات وخو سږ کال بیاهغسی نه ده ، دهیواد ځینی سیمی او به خاصه توګه «کابل » داسی غمجنه صحنه وړاندی کوی
(۱۱) مخ

فتوحات چشمگیر مجاهدین در بغلان
ص(۱۲)

منطقهء وسیعی از ولایت بغلان از لوث وجود ملیشه های کیان و دوستم پاکسازی شد

با آتش اسلحهء ضد هوائی مجاهدین یك طیاره دوستم در مزارشریف سرنگون گردید

سال نو، سال نابودی آخرین بقایای نظام کمونیستی و سال استقرار صلح و امنیت در افغانستان بر ملت مجاهد افغان مبارک باد

بی اعتنائی حکمتیار به تلاش های صلح

پس از حمله همآهنگ ملیشه ها و حزب اسلامی علیه مواضع دولت در اول جنوری سال مسیحی جاری، کابل دچار مصیبت بزرگی گردید. صد هاهزار نفر از مردم مجبور به ترک شهر شدند. حملات سلاحهای ثقیل شهر را به ویرانه مبدل کرد صدها نفر به شهادت رسیدند و جسد دهها نفر هنوز هم در زیرخاك و خشت عمارات ویران شده باقیست و کسی قادر نشده است آنرا بخاك بسپارد.

بدنبال این جنگ خونین گروهی از قوماندانان اطراف شهر کابل تلاش هائی را بمنظور ایجاد صلح بین طرفهای جهادی آغاز کردند و مولوی جلال الدین حقانی قوماندان معروف نیز این تلاش ها را با عضویت خویش درین شورا قوت بیشتر بخشید.

شورای مصالحتی که به اینگونه بوجود آمد اکنون وسعت بیشتر یافته و عده ئی از علمای محترم و سایر شخصیت های مصلح را نیز شامل شده و این شورادر طول هفته های گذشته جلسات متعدد با رئیس جمهور استاد ربانی، احمد شاه مسعود، و حکمتیار داشته است. خواست شورا از حکمتیار و ربانی این بود که هر دو طرف برای حل مشکل موجود بین شان به این شورا صلاحیت کامل بدهند. سر انجام جانب دولت به شورا صلاحیت کامل داد تا در رابطه با حل مشکلات فعلی کشور آنچه را به خیر و صلاح اسلام، جهاد و کشور باشد فیصله نماید و جانب دولت به این فیصله ها احترام خواهد گذاشت و به آن عمل خواهد کرد.

شورا عین خواست را با حکمتیار مطرح نمود آقای حکمتیار خواست قبلی خود و ملیشه ها مبنی بر استعفای استاد ربانی از ریاست جمهوری را تکرار کرد اعضای شورا به وی گفتند که هر چند استاد ربانی بخاطر مصلحت کشور حاضر است هر فیصلهء شورا را بپذیرد ولی شورای مصالحتی استعفای رئیس جمهور را در چنین شرایط نه تنها به خیر کشور نمی داند بلکهٔ آنرا توهین به حیثیت و اعتبار مجاهدین می شمارد. البته شورای مصالحتی اذعان دارد که دولت در گذشته مرتکب اشتباهاتی شده است ولی از آنجا که در جنگ اخیر ملیشه های دوستم پیشقدم بوده اند با استعفای استاد ربانی این ذهنیت در سطح ملی و بین المللی بوجود خواهد آمدکه با وجود پیروزی مجاهدین و بوجود آمدن حکومت مجاهدین، هرنوع تغیر و تحول در افغانستان هنوز هم با سر انگشت کمونیست ها و بقایای رژیم سابق می درجد آنها بودند که نجیب را سرنگون کردند و اکنون هم همین ها هستند که فشاری که از طریق جنگ بر دولت وارد کردند دولت مجاهدین را قبل از تکمیل موعد مقرر آن مجبور به استعفا نمودند والبته حکومت انتقالی که بعداز این جریان نیز بوجود می آیدخواست ملیشه ها بوده است در تمام این تحولات، مجاهدین فقط نقش دنباله رو و آلهء دست بقایای رژیم سابق را داشته اند بنابر این خیر و صلاح کشور و مجاهدین درین است که حکمتیار از این خواست خویش صرفنظر کند و تا چهار و نیم ماه آینده که مدت تعین شده برای ریاست جمهوری استاد ربانی است انتظ بکشد. اما خواست های دیگر حکمتیار از جمله سپردن امنیت شهرکابل به قوماندانان اطراف شهر کابل و بیرون کردن سلاح های ثقیل طرفین از شهر ونواحی اطراف آن را جانب دولت رد نمیکند البته این پروسه نیز احتیاج به زمان دارد تا نیروئی از شهر بیرون گردد و نیروی بدیدی جای آنرا بگیرد. انجام چنین پروسه به صلح و آتش بس نیاز مند است که باید طرفین به آن عمل کنند.

بیرون شدن نیروهائی که از شهر کابل نیستند در قدم اول شامل ملیشه ها میشود ولی آقای حکمتیار به آن دلچسپی نشان ندادند و درمواردی که شورای مصالحتی روی چنین مسایل تاکید نموده واز حکمتیار خواهان صلاحیت میشود تا چنین موارد در فیصلهء نهائی شورا گنجانیده شود وی میگوید که من موافقم ولی شورا باید رای موافق شورای همآهنگی را هم حاصل کند! این سخن وی به آن معنی است که قوماندانان و کسانیکه در طول چهارده سال علیه کمونیست ها و مزدوران داخلی روس جهاد و مبارزه کرده اند امروز باید به نزد نماینده های دوستم بروند و رای موافق آنانرا دراین فیصله بگنجانند کاری که هیچ مجاهدی حاضر به قبول آن نیست.

یکی از افراد مصلح وقتی چنین توصیه ازجانب حکمتیار رااز زبان خودش شنید بروی انتقاد نمود و ملیشه هارا به خندق پر از آب گندیده تشبیه نمودکه حکمتیار کرسی اقتدار خودرا در کنار آن نهاده است. حکمتیار در برابر این انتقاد عکس العمل خشم آلود نشان داده و خطاب به وی گفت:

برادر فلانی! برای تو بهتر است که به پشاور بر گردی در همانجا چکر بزنی! تورا به این کار ها غرض نیست!

تلاشهای حکمتیار هر چند برای وادار ساختن شورای مصالحتی به مذاکره با ملیشه ها بی نتیجه مانده است ولی همین پا فشاری موجب گردیده که کار این شورا به تعویق افتد و بعضی از اعضای شورا علناً می گویند که اگر این تلاش ها نیز به ناکامی بینجامد مسئول آن فقط حکمتیار است وبس.

شیر می غرند چون وامی رسی بزغاله اند

یکی از خصائص استعمار اینست که چاکران خودرا بصفت نیرویی مردمی و شکست نا پذیر و قوی معرفی می کندو با تبلیغات مسلسل چنان خوف ووحشت ایشان را در دلها جاگزین می سازد که مردم گمان می کنند باید با این بلای آسمانی بسازند ودرجهت نجات خویشتن تلاش ننمایند که بیهودهء است وره بجایی نخواهند برد و جز تلفات و خسارات و نابودی خود شان نتیجه یی نخواهندگرفت.

کودتای کمونستی هفت ثور ۱۳۵۷ توسط مشتی از کمونستهای جنایتکار و به مداخلهء روسها و در غفلت کامل ملت صورت گرفت و کودتاچیان آنقدر در بین ملّت منفور و آنقدر ضعیف وناتوان بودند که از همان لحظات نخستین آن فاجعه، سیل مشاوران روسی به افغانستان سرازیر گردید تا چاکران تازه بقدرت رسیدهء ماسکورااز خطراتی که قدم به قدم ایشان را تعقیب می نمود محفوظ نگهدارند و ازهمان نخستین روزهای کودتا قیامهای خونین علیه کمونستهای دست نشاندهء ماسکو در سرتاسر کشور آغاز گردید و رفته رفته به جهاد همه گیر و فخر آفرینی تبدیل شد.

ضعف کمونستها و شجاعت و دلیری و تصمیم قاطع ملت مبنی بر ریشه کن ساختن کمونزم و کمونستها از کشور و نفرت شدید مردم از گرگان خون آشام خلق و پرچم، شواهد انکار ناپذیری بودکه هرانسان صاحب عقل را بر آن می داشت تا به سرنگونی کمونزم در میهن آزادگان یقین کامل داشته باشد، ولی روسها و اجیران خلقی و پرچمی شان با طمطراق از شکست ناپذیری وغیر قابل برگشت بودن کودتا حرف می زدند ومی گفتند انقلاب ثور شکست ندارد و بزودی دشمنان خلق و اشرار شکست میخورند و نابود می شوند!!

اما گذشت زمان نشان دادکه در برابر طوفان انقلاب اسلامی، نه تنها کودتای شوم هفت ثور بلکه امپراطوری آتش و آهن ماسکو نیز با همه ساز و برگ وحشتناك نظامی اش تاب مقاومت ندارد و آنهمه تبلیغات و پروپاگند شیطانی بلاك کمونزم که پا بپای یورش وحشیانهء نظامی شان بر افغانستان صورت می گرفت، جز سرابی بیش نبود ونتوانست خانهء عنکبوتی کمونستهای کابل را به دژ تسخیر ناپذیر کمونیزم تبدیل سازد..و کمونزم همراه با اتحاد شورروی بزرگ(!) در گودال شکست و نابودی سرنگون شد!

یکی از نیروهایی که روسها برای حفاظت چاکران خویش در صحنهء کشتار ملت قهرمان افغان آورده بودند، نیروی ملیشهء های جنایت کار به رهبری رشید دوستم بودکه به ملیشه های جوزجانی معروف بودند و رژیم نجیب بعداز فرار قوای روسی ازافغانستان به این نیروها متکی بود وحیات خودرا مدیون ایشان می دانست.

این ملیشه هارا روسها ازجانی ترین ،خونخوار ترین، بد اخلاق ترین و فاسد ترین افراد برگزیده بودند و می پنداشتند که هر چه این افراد وحشی تر وجانی تر و بی دین تر باشند بهمان اندازه شجاع تر و دلیر تر و بی باکتر می باشند، اما غافل ازینکه چنین عناصر تنها در برابر مردم بی دفاع شجاع و دلیر و گستاخ و با جرئت می باشند اما در برابر سپاهیان اسلام بزدل تر وجبون تر از ایشان کسی وجود ندارد زیرا این ها ایمان ندارند و نمیتوانند در برابر لشکریان با ایمان خدا مقاومت کنند.

با آنکه شکست های پی در پی ملیشه های دوستم در زمان حکومت نجیب، در تمام جبهات از خوست تا فاریاب و از قندهار تا هرات و بدخشان حقیقت شکست ناپذیری آن ملیشه هارا که روسها و رژیم نجیب تبلیغ می کردند، بر ملا ساخته و بهمگان این حقیقت ثابت شده بود که ملیشه های جنایت پیشهء دوستم در چوروچپاول و قتل و غارت و دزدی و شراب نوشی و قمار بازی شکست ناپذیر اند و در میدان جنگ جز شکست و ذلت و رسوایی و فرار دستاوردی و کمالی ندارند، اما بازهم

ص(۱۱)

د کمونستانواود هغو د ملیشو وانی شلیدلی دی

له هغی وروځی را په دی خوا چی د کمونستانو د واکمنی کمبله په افغانستان کی راټول شوی، دا زموږ ددین اوهیواد سوگند خوړلی دښمنان د مجاهدینو د واکمنی پر ضد، د وحدت او بووالی پر ضد او بالاخره ددوی د حکومت پر ضد ډول ډول توطیی او دسیسی کوی، د مجاهدینو په منځ کی اختلافات تشدید وی په خپل منځی جګړو کی کله د کتلست او کله داکتیف په توګه برخه اخلی - په دی وروستیو کی چی دوی د مجاهدینو د خپل منځی اختلافاتو له لامله کافی ډاډمن شوی وه - په داسی حال کی چی ځینی مجاهد، نیمه مجاهد او مشکوکی ډلی،ټپلی یی هم ځان ته راکاږلی وه - د یوی داسی فتنی په ژبغړاندولو بریالی شول چی که چیری د هغی د مخنیوی لپاره جدی اقدام ونشی - نو زموږ هیواد او هیوادوال سره له دی چی څوارلس کاله د جنګ په بیټو کی سوی، وریت شوی او ستی شوی - نور به هم وریت اوستی شی او د یو داسی هیبتناك او تورتم مستقبل په لور به ګرندی ګامونه آخلو چی خدازده نور به څه مصیبتونه زموږ بلد تی ته ولاړ وی ... دا چی هیوادمو ویجاړ شو، دا چی مبندی موبوری شوی .. موږ هر څه له لاسه ورکړل په عمومی ډول داسی حالت به پر موږ،سبوری کوی چی د وحشت نمونی یی همدا اوس اوس د افغانستان په ګوټ ګوټ کی موند لای شی ... هیڅوك دا تضمین نشی کولای چی بو کور، کهول به د لسو دقیقو لپاره ددی وحشت له تاړاته په امن کی پاتی شی. مال یی خوندی وی، سر یی په امن کی وی او آن ناموس یی د بی عفتی له خطره بچ پاتی شی ...

مجاهدینو د خپلی واکمنی په لومړیو شپیو کی داسی انګیرل چی کمونستان به د مجاهدینو له پلوه اعلان شوی عفو بنه وګڼی او نور به د هیواد دورانو لو جرئت نه کوی، خو حالاتو وښوده چی ددوی زړونه لا ددی ملت په وژلو ،یی کوره کولو او تباهکولو نه دی یخ شوی، دوی په لومړی پلا به یوی ورکی سره غوښتل د هیواد په سیاسی چارو کی ځان مطرح کړی، خو چی کله هغه ونشونو دا بله خوابی ونول او د جدی په ۱۱ نیټه د دولت پرتاسیساتو، نظامی هډو او د کابل پر نورو ولسی سیمو باندی یی بریدونه ښځ کړل په دی نیت چی د کابل په نیولو سره به نور دی موجودی وضعی ته خاتمه ورکوی او دوی به یوځل بیا د هیواد سیاسی واګی په خپل لاس کی نیسی - مګر د جنګ له پیل نه څو شپیی پس پته ولګیده چی ددوی ټولی ناروا غوښتنی له خاورو سره خاوری شوی - ستراتیژیکی سیمی یی له لاسه ورکړی او ددوی د برڅواکونه تس نس شوی دی - ددوی د ماتی لومړی پړاو بشپړ شواو دوی ونشوای کړای آن له خپلو مرکزونو څخه بهرشی - د هیواد په مختلفو برخو کی ددوی پر ضد جهاد ګرم شو - دوی خپلی ټولی قوا دی د کندز په لور متوجه کړ - کندز یی ونیو مګر د څو ورځو نه وروسته مجاهدینو دتالندی او بریښنتا په شان ددوی پرځالو پر یو تل ...٥٧٠٠ تنه ګلم جم ملیشی د مجاهدینو په اسارت کی راغلل او او ۱٥٠ تنه نور کسان یی ووژل شول - اوس ددی ماتی په نتیجه کی د کمونستانو او د هغوی دملیشو وانی شلیدلی دی چی نور به څه کوی ؟بل دا چی د کمونستانو ملیشی آن د خپلو متحدینو په سیمو کی هم په مرموز ډول وژل کیږی - او نه پوهیږی چی د چاله پلوه وژل شوی - دا یوه بله اندیښنه ده چی دوی ته پیدا شوی .. مګر با خبره منابع وایی چی دوی د هماغو مجاهدو ځواکونو د مسلحو کسانو په وسیله ترور کیږی چی د قیادت په سطحه ائتلاف او هم آهنګی ورسره لری - موږ هیله من یو چی کمونستان خپل دا وروستی چانس چی ځینی مجاهدین یی په خوا کی ولاړ دی هم له لاسه ورکړی - مجاهدقوتونه سره متحد شی او د کمونستانو کمبله د همیش لپاره زموږ له هیوادنه راټوله شی ...

مونږ له ربانی، مسعود او حکمتیار سره معامله نه کوو زمونږ معامله له خدای(ج) سره دی،که د انسانانو سره مو معامله کولی اوس به نامیده و. زمونږ معامله له خدای (ج) سره او زمونږ جهاد د خدای له دښمنانو سره دی

درنولوستونکو دادی دلته د اتحاد اسلامی د مجاهد امیر د هغه عالمانه وینا متن درته وړاندی کوو چی نوموړی د هجرت کلی په جامع جومات کی د رمضان میاشتی په ٢٩ نیته د هیواد د روانو حالاتو په هکله آورولی وه :

الحمدلله وکفی والصلاة والسلام علی سیدنا و نبینا ومولینا محمد المصطفی و علی آله و صبحه اجمعین ومن اهتدی بهدیه الی یوم الدین .

اما بعد :

فقد قال رسول الله صلی الله علیه وسلم : اذرأیت أمتی لایقولون للظالم منهم أنت ظالم فقد تودع منهم .

حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمایی چی که زما په امت باندی داسی یوه ورځ راغله چی په دوی کی دا جرئت نه و او داتوان ورسره نه و چی ظالم ته ووایی چی ته ظالم یی،نو ددی امت سره خدای پامانی شوی ده یعنی دا امت ددی وړنه ده چی د امتیت په چوکاټ کی پاتی شی. په بل مبارك حدیث کی رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمایی چی « من مشی مع الظالم لیقویه وهو یعلم انه ظالم فقد خرج من الاسلام »

څوك چی ظالم سره ، سره دشناخته ، سره له دی چی پی یی ژنی چی دا ظالم ده ورسره روان شی د کمك په قصد ، دده دپلی دزیاتولو په خاطر ، دده د تایید په خاطر په تحقیق سره دا سړی له اسلام نه وتلی ده .

وروڼو ! د کابل د جریاناتو په ارتباط چی تقریبا دوه کاله وشو چی زه د حوادثو په متن کی واقع یم او د جریاناتو کره وړه می له نږدی لیدلی دی ، څوك چی له جریاناتو لری وی هغه ته قضاوت سخته ده کله کله په قضاوت کی بی لاری لاړشی خوزه به د کابل د حوادثو د متن څخه تاسوته څه حکایتونه وکړم نرڅو وشی کولای ددی په رڼا کی د اسلام د اصولو په اساس خپل موقف او خپل دریځ غوره کړی او خپل اسلامی مسئولیت د خپل وطن ، جهاد ، دین او عقیدی په رابطه اداکړی او تاسوته معلومه ده چی د اتحاد اسلامی افغانستان تنظیم نه د پادشاهی تنظیم دی نه د کوم جاه اومنصب تنظیم، یواځی او یواځی د اسلام تنظیم دی او له ابتدا نه تراوسه یی په دی کی هڅه کړی ده چی په دی ملك کی اسلام راشی ، په دی ملك کی د قرآن حاکمیت وی او په دی ملك کی د مجاهدینو په لاس اسلامی نظام و دریږی په زغرده ویلای شم چی اکثره طرحی د حکومتونو او دروغو جوړو طرحی او قرار دادونه زما په لاس لیکل شوی او تاسی هلته لیدلی دی چی مونږه ددی تنظیم لپاره

نه تنها چی په کوم ویش باندی چاسره لاس او گریوان شوی نه یو؛ بلکی کوم ویش چی زموږ په برخه شوی هغه مو هم له ځان سره نه دی اخیستی کوشش موکړی دی چی مجاهدین په خپل مینځ کی جوړ شی ، سره روغه وکړی؛ چی ددوی د اختلاف په نتیجه کی دا جهاد او ددی جهاد ثمری ضایع نشی ، دا قوم له تباهی سره مخ نشی ، لکه دا اوس چی مخامخ ده کله هم چی دویش او قدرت مسئله منځ ته راغلی ده مونږ پوره تنازلات په دی کی کړی او دا کوشش موکړی چی دا خلك سره نږدی کړو په ابتدا کی تاسوته بهتره معلومه ده چی په ټول افغانستان کی دغه آوازه توده وه چی په دی ملك کی دوه قوی تنظیمونه دی دا نورتنظیمونه خو چا یا دول هم نه ، یا به یی ویل چی حزب ده او یا جمعیت خو مونږه همدی خبری ته په احترام سره او ددی لپاره چی دا د کشمکش غټی نقطی قانع کړو کله مو چی د موقت حکومت فارموله جوړوله یوه تنظیم ته مو ریاست دولت ورکړ او بل تنظیم ته مو صدارت؛ بیا مو چی کله ولیدل چی په دی باندی هم جوړه رانغله بیا مو د ریاست دولت سره وزارت دفاع هم غبرگه کړه او هلته مو له صدارت سره وزارت داخله کیښوده موږ فکر کاوه چی په دی به آرامي راشی ، داخل کی سوکالی راشی او د اسلامی نظام د قائمیدو زمینه برابره شی خومتاسفانه چی په دی باندی هم آرامی رانغله ، افغانستان پښیر هم نه ده چی چاقومو اخیستی وی او په منځ کی مو دوه نیمه کړی وی یو قسمت مویوی خواته او بل قسمت مو ببلی خواته ورکړی وی تر څو دا خلك آرام شوی وای . ددی کار امکانات هم نه و له کومی ورځی چی مونږ افغانستان ته تللی یو ترننه چی دا دتاسو په مخ کی ولاړیم مونږ په مسلسل ډول تلاش کړی دی چی دوه کاره تر سره شی یو دا چی دمجاهدینو ترمنځ روغه جوړه راشی بل دا چی د ملحدو بی دینواو مرتدو عناصرو پرخلاف وسله پر ځمکه کښینښودل شی بلکی جهاد د هغوی پر خلاف دوام اواستمرار پیدا کړی نو په دی اساس که مونږ حکم وکړو چی هلته جهاد نه ؤ دا به د بی خبری په مفهوم وی، مونږ په دا شلو میاشتو کی هلته جهاد کی پاتی شوی یو په دا شلو میاشتو کی د اسلام په خاطر د دین او عقیدی په خاطرمونږ،توپك په ځمکه نه دی ایښی سره ددی چی د

پاد شاهی په عقیده نه ؤ سره ددی چی د ریاست په عقیده نه ؤ خو په دی جهاد مو زړه خوږیدلی په دی ملك مو زړه خو ږیدلی دی او په دی خلکو او دی ولس موزړه خو ږیدلی دا گلم جمان چی کله د حکومت تراړخه هم ولاړ و زموږ جهاد د هغوی پرخلاف روان و داکوم خلك چی کابل کی اوسیدلی دی هغوی ته دا واقعیت معلوم دی چی د میدان هوایی نه ، دخیرخانی نه،د دارلامان نه،د حزب وحدت تر پوشش لاندی څه د الحاد او کفر قوتونه چی و زموږ پرخلاف یی راکښونه چلول ، یوه ورځ هم زموږ او د دوستم ترمنځ د کومی ورځی نه چی افغانستان نه تللی یو سوله ، روغه ، جوړښت او معامله نه ده راغلی؛ بلکی ددی نه ور هغه خوا دا د خدای جل جلاله لطف اواحسان دی چی د تاسو په نمائنده گی ددی تنظیم په نماینده گی زموږ لاس تراوسه د کافرله لاس سره دروغی جوړی او ستړی مشی په عنوان نه دی وړاندی شوی ، ددی مدت په طول کی لکه څنگه چی مونږ پخوا له تګه کابل ته د جینوا د موامری پر خلاف ولاړوو؛ لکه څنگه چی پخوا له تګه کابل ته د بینن سیوان د ملل متحد د موامری پرخلاف ولاړوو ، کابل ته هم چی تللی یو هماغه موصف ده ، هماغه مو موقف ده او هماغه دریځ مو دی چی په هغه کی تراوسه بدلون نه دی راغلی ، مونږ په هغه ورځ هم د دوستم پرخلاف وو په کومه ورځ چی د استاد احمد زی شهید په فاتحه کی انجنیر حکمتیار خپله غیږه خلاصه کړه اوویی ویل چی شمال کی چی کوم حرکت روان شوی دی او کوموخلکو چی خپل بیلتون له حکومت سره اعلان کړی زموږ غیږی هغوی ته خلاصی دی هلته یی اعلان وکړ چی زه به د استاد احمد زی شهید قاتلان نه پریږدم او زه به انتقام تری نه واخلم ، استاد احمد زی د هغه د شرافت ، اهلیت ، تقوا او دیانت سره په دی ملك کی یو فرد و ده هلته چیغی وهلی چی زه ددی فرد انتقام خامخا اخلم خو هله یی په عین مجلس کی د ټول و لس د قاتلانو لپاره عفوه اعلان کړه،د یوی خوایی د یوه فرد د شهادت د انتقام لوړه وکړه؛ویل یی قسم په خدای دی چی زه به دا استاد احمد زی انتقام اخلم او له بلی خوایی د ټول ملت د قاتلانو او دټول ملت د دښمنانو او ټول امت دددښمنانو په مقابل کی خپله عفوه اعلان کړه او غیږه یی داسی خلاصه نیولی وه ، ویدیو فلمونه یی اوس هم موجود دی چی زموږ غیږه دوی ته خلاصه ده ، مونږ په هماغه ورځ هم چی دوی د دوستم په نامه لس زره کسان په کابل کی ووژل او ویل یی چی زه بل چاسره

نه جنگیږم ، دوستم سره جنگیږم، د دوستم ملیشو سره جنگیږم په هماغه ورځ هم مونږ د دوستم پرخلاف وو او مونږ په دی پوهیدو چی دا جنگ د دوستم سره نه ده ، دا جنگ د چوکۍ لپاره ده دا جنگ قدرت ته د رسیدو په خاطر ده او کنه دا اوس حاجی صاحب دین محمد له دی ځایه را جگ شو او انجنیر احمد شاه به هم په همدی کونجو کی چیرته ناست وی، کله چی مونږ کابل ته لاړو حکمتیار صاحب ویل چی دا دوه شیه زه قبلولی نشم ! ماورته وویل څه شی نشی قبلولی؟ ویل یی : یو د مجددی منل ماته داسی دی لکه د امریکا بش چی ومنم دا زه نشم منلی ما وویل : بل څه شی دی؟ ویل یی : ملیشه زه په کابل کی منلی نشم زه او حاجی صاحب دین محمد کیناستو خپل منځ کی مو

استاد ربانی ونکړی،ماویل چی منی یی ویل یی که ویی نه مانه ؟ ماویل چی زه ددی خلکو په مخ کی تعهد درکوم چی د تاسره به ولاړ یم ته دی ته چمتو شه زه به تاسره ولاړیم ویل یی چی ورشه ،زه ولاړم استاد ربانی او مسعود دواړه می ریشخوروته راوستل دی یی ورروستی هغوی دده کورته راوستل ، استاد دده په مخ کی هم وویل چی راځه زه تیاریم چی د گلم جمو پر خلاف جنگ پیل کړو ، ده ویل چی سمه ده او مجددی خو هغه دی په خپله لاره روان دی اته ورځی بعد استاد ریاست شروع کیږی او چی دا شروع شو د گلم جمو پرخلاف به مونږ جنگ اعلانوو ، دلته یو وار – ده غږ وکړ چی زه خو داستاد ریاست هم نه منم،ما ورته وویل چی انجنیر صاحب تاسره خو دوه خبری وی

مونږ په هغه ورځ هم د دوستم پرخلاف وو په کومه ورځ چی د استاد احمد زی شهید په فاتحه کی انجنیر حکمتیار خپله غیږه خلاصه کړه اوریی ویل چی شمال کی چی کوم حرکت روان شوی دی او کوموخلکو چی جبل بیلتون له حکومت سره اعلان کړی زموږ غیږی هغوی ته خلاصی دی هلته یی اعلان وکړ چی زه به د استاد احمد زی شهید قاتلان نه پریږدم او زه به انتقام تری نه واخلم ، استاد احمد زی د هغه د شرافت ، اهلیت ، تقوا او دیانت سره په دی ملك کی یو فرد ، و ده هلته چیغی وهلی چی زه ددی فرد انتقام خامخا اخلم خو هلته یی په عین مجلس کی د ټول و لس د قاتلانو لپاره عفوه اعلان کړه

خبری وکړی مولوی صاحب محمد نبی محمدی سره مو هم خبری وکړی مونږ.د استاد ربانی او مسعود سره هم خبری وکړی بیا دحضرت صاحب اته ورځی پاتی وی وخت یی پوره کیده، ورغی چهار آسیاب کی حکمتیار سره یی ولیدل ماورته وویل چی حکمتیار صاحب ویل چی زه ملیشه او مجددی نه منم .. او بیا زما او د هغه کتنه وشوه، .. ماویل چی دوه انتقاده دی درلوده د جنگ د ختمیدو لپاره دی دوه شرطه درلوده یودا چی تا مجددی نه مانه بل دا چی تا ملیشی نشوای زغملای نو راځه د مجددی وخت پوره ده ،اته ورځی وروسته روان دی داملاحظه خو دی لاره په خپله مخه پسی؛ پاتی شوه یوه ملیشه د دوستم او گلم جم نوراځه زه ، ته استاد ربانی ، مولوی صاحب خالص اومولوی محمد نبی به لاس ورکړو چی ملیشه به په گډه وشړو هغه وویل چی زما حضور ته څه ضرورت ده ما ویل هغه خلك وایی چی که دی راسره ولاړ نه وی او مونږ له ملیشو سره جنگ شروع کړو دی یی په غیږ کی نیسی او زموږ پرخلاف یی بیا استعمالوی ویل یی چی دا کار به

مجددی دی نه مانه بل دا چی گلم جم دی نه مانه او تا راته وویل چی استاد به قانع نشی چی د گلم جمو پرخلاف خبری وکړی او په پیښور کی اتفاقیه شوی ده نوته ولی اوس دا خبره کوی؛ ویل یی قسم په خدای دی که راباندی وی منی دا هم نه منم، ماویل چی څه وکړو ویل یی سره به کینو د بل رئیس په حصه کی په فکر کوو بیا به د گلم جمو پرخلاف دریږو، ماورته وویل چی انجنیر صاحب څوارلس کاله مونږ په پیښور کی هڅی وکړی د یو قاید په سرمو اتفاق رانغی ، هلته خو د کابل مسئولیت د نجیب او ببرك په غاړه ؤ اوس خو د کابل مسئولیت د مجاهدینو په غاړه کی دی څنگه توقع لری چی مونږ به په څوارلس ساعتو کی وشو کولی په یوه رئیس باندی اتفاق وکړو خلاصه دا چی هر څه مو ورسره وکړه ویی نه منل ، سبا ته زه ، انجنیر صاحب احمد شاه او حاجی صاحب دین محمد دا دری واړه ورغلو دده ځای ته ، بیامو ورته خبری وکړی چی انجنیر صاحب ستا دوه انتقاده و ، مجددی په خپل لور روان ده او گلم جمو پرخلاف به سخت جنگ کوو، ده ویل چی زه بی

الله جل جلاله زموږ خبری اوری قسم په خدای دی چی دا جنګونه مانه دی کړی څلور جنګه حزب وحدت زما پر خلاف وکړه ما به جنګ نه غوښته نه پری خبروم نه می پلان جوړ کړی و نه یی په شروع باندی خبروم. راباندی تحمیل شوی .

نه منم آخر کی مو ورته وویل چی لاس پورته کړه دعا وکړو لاسونه یی سره پورته کړل ، ماویل چی هر څوك دی ملك کی اسلام غواړی او په مسلمانانو یی زړه خوږیږی الله جل جلاله دی کامیاب کړی او څوك چی خپل شخصی هوا او هوس ته په اسلام ترجیح ورکوی قدرت ته د رسیدو په خاطرمسلمانان زوروی خدای جل جلاله دی هلاك او تباه کړی کله می چی دا خبره وکړه لاسونه یی کوز کړه او آمین یی ونه ویل دا دوه کسان زما شاهدان دی په دی باندی یی هم اکتفا ونکړه او سبا ته یی هیئت ولیږه مجددی صاحب ته ، دا مجددی صاحب ژوندی دی تاسو ترینه پوښتنه وکړی ، هیئت یی وروليږه پیر ګیلانی صاحب هم ژوندی دی تاسو ترینه پوښتنه وکړی ، مجددی ته یی هیئت ولیږه چی ځان ټینګ کړه زه د تاسره یم ، هغه سړی چی ده پرون ورته ویلی چی زه بوش منلی شم دا نشم منلی، ده ورته هیت ولیږه چی ځان ټینګ کړه زه تاسره یم. پیر صاحب ته یی هیت ولیږه او ورته وی ویل چی مجددی ته ووایه چی ځان ټینګ کړه زه ورسره یم نو هلته موږ کیناستو پروګرام مو جوړ کړ اتفاقیی زما په لاس لیکل شوی او د مجددی دوه میاشتی وخت ؤ ما مجددی ته احوال ولیږه چی له ارګه ووځه سبا می بیا هیت ورولیږه چی وځه! بیا یی ویل چی نه وځم ، چی په کومه ورځ یی وخت پوره کیدو نفر می ورولیږه چی تر لس بجو به وځی ، ... مزار ته تللی و او هلته یی دوستم ته وویل دا دوه ترفیع تا ته نه اخوانیانو درکړی نه وهابیانو درکړی دی ، نه فلانیانو درکړ، نه فلانیانو درکړی دا دوه ترفیع ګانی تاته خدای جل جلاله په نصیب کړی دی چی ته ددی اهل وی مستحق یی وی ، ځکه مو دا ترفیع درکړی هماغه و چی مجددی له ارګ نه ووت موږ بیا ورغلو حکمتیار ته دا حاجی صاحب دین محمد راسره

ومیدان ته ورغلو ورته مو وویل چی انجنیر صاحب د خدای جل جلاله په خاطر راځه چی لاس سره یو کړو دا ګلم جم او دا کمونستان له دی ښارنه وباسو خو تنها یو شرط لرو هغه داده چی ګلم جم به له ښاره وباسو او د تنی ملګری به چهار اسیاب کی نیسو او وباسو به یی موږ په شهرنو کی چی کوم کمونیست نه غواړو په چهارآسیاب کی یی هم نه غواړو ده ویل چی نه دوی یی نه کوی ! راځی چی په زور یی موږ اوتاسو وباسو! ماویل چی په زور یی کوی! کابل سره جنګیږی ! دا د کابل حکومت ړنګوی ! بل حکومت دځه شی ده راویی ښیه چی وی ګورم که دوی نه موخوښ شو چی زه هم درسره ملګری شم ! مولوی صاحب عبدالقدوس به دلته چیرته

ناست وی په دی مجلس کی ده راته وویل چی کله موکابل سقوط کړ هماغه وخت کی به بیا په دی باندی خبری کووما ورته وویل چی یوی مجهولی فضا ته موورته باسی چی کله کابل سقوط وکړ د ارګ په مخ کی به ماته هم توپك راواړوی خو که نقشه درسره وی رامیدان ته یی کړه او چی که وظیفه دی اخیستی وی چی په دی ملك کی استقرار رانشی په دی ملك کی حکومت جوړ نشی په دی ملك کی اسلامی نظام رانشی موږ پری پوه کړه چی درباندی پوه شو .

بالاخره یی موږ سره فیصله وکړه چی ځی تر دریو ورځو تاسو له استاد سره خبری وکړی که دی ته آماده شو چی ګلم جم یی وایسته او کمونیستان یی لری کول بیا به خبری وکړو دری ورځی مو وخت وغوښت دری ورځی پوره کیدلی دریمه ورځ لا پوره شوی نه وه چی ماته یی مخابره وکړه چی زه خو جنګ کوم ما ورته وویل چی دری ورځی پوره شوی نه دی کنه ، خو هغه په عوض ددی چی غوږونیسی د هماغی ورځی په ماسپیسن یی کابل باندی جنګ شروع کړ چی د هماغه جنګ په نتیجه کی اوه زره کسان ولاړ ، څوك وو؟ پردی زامن ؤ ، پردی خلك و وایی ځمکه هغه سوزی اودردیږی چی اور پری بلیږی دوی باندی اوربل نه ؤ پس له دی جنګ کرار شو ، موږ په طول ددی مدت کی دا کوششونه کول چی جهادی تنظیمونه سره متفق کړواو اسلامی حکومت جوړ کړو امن راولو جنګ پای ته ورسوو

خو ددغو کوششونو په نتیجه کی زموږ د صف دوه زره کسان شهیدان شول ما خود مزاری پلار نه ووژلی چی ما سره یی جنګ کاوه ما خو د دوستم پلار نه ووژلی چی ما سره یی جنګ کاوه نه د بابا جان اونه د مومن ، هغوی لیدل چی دا سړی سوله او روغه کی مندی رامنډی کوی که سبا ددی خلکو په مینځ کی روغه راغله موږبه نه یو ، موږ په مرګ باندی محکوم یو هغوی په دی روغه او جوړه کی خپل مرګ لیده ددی لپاره چی موږ مشغول وساتی ددی لپاره چی موږ روغی جوړی ته وخت پیدا نکړو نو کله هم چی ما دا خلك کینولی هغوی راباندی حمله کړی ده زموږ دوه زره کسان په دی لاره کی تللی نه مو پادشاهی غوښته نه مو صدارات غوښته ، نه مو پیسی غوښتی ، نه مو بل څه غوښته ، یواځی دخدای جل جلاله په خاطر مو ددوی مینځ کی روغه کوله ، چی اسلام حاکم شی ملك کی استقرار راشی ، زموږ دوه زره کسان پکی لاړل پس له دی چی دده د صدارت موضوع مطرح شوه یوه لویشت ځای یی په افغانستان کی نه درلود چی هلته رئیس دولت سره کینی

او دا د خپل د صدارت کار شروع کړی ، پغمان ته راغی په داسی حال کی می پغمان ته راوغوښت او میلمه می کړ چی سلها تنه پغمانی ده وژلی ؤ حاجی نبی اولین قوماندان او اولین مجاهد د پغمان ؤ دده په تانګ باندی وژل شوی ، په خاطر ددی چی زه چهار آسیاب ته ورغلم دحزب ټوله اجرائیه راسره وه ، زه ورغلی وم چی دده او استاد ترمنځ روغه وکړم ده د اجرائیی په مخ کی ماته وویل چی استاد سیافه! هزاریو سره می لاس یوکړی له پغمانه به دی جګ کړم ما ورته وویل چی ګناه می همدا ده چی تنی راسره ده کمونیستان راسره دی ، بل کوم ظلم ده ، ته یی ووایه! ده ویل خیر ده همالته به پری پوه شی ما ورته وویل چی آشنا زه د روغی ، جوړی لپاره راغلی یم تاته عیب ده په کور کی دی ناست یم چی داخبری وکړی بیا دی چی پغمان نیوه وی نیسه « زه دی پلاړ ګنم ته می خولی پوری خاندی » هماغه و چی د میدان له لاری یی حمله وکړه څه بی ګناه معصوم عربان یی راخوځولی و د حاجی شیرعلم موضع ګانی یی ورونبودی اوورته یی ویلی وه چی دا د ګلم جم موضع ګانی دی کله یی چی موضع ګانو باندی ورو خیژول په سلها و تنه مجاهدین شهیدان شول پنځلس شل تنه بی ګناه عربان هلته مړه شول ،هغوی یی راوستی و ورته ویلی و چی دغلته د هزاریواو ګلم جموموضع ګانی دی په دی عنوان یی هلته راوستل اووی جنګول په کومه شپه یی چی جنګ هم شروع کړ د میدان لخوا ټانکونه یی راغلل او زموږ کوتی د کوتل په سرټو لی ړنګه کړی ماته ملګانو ویل چی څه وکړو ماورته وویل چی دا خل دی موضع شی خو جنګ مه کوی څلور نیمی بجی د ماز دیګر وی دولس بجی شوی تر دولس بجو یی موضع ګانی ویشتی خلك شهیدان شول ، زخمیان شول ما دوی ته ویلی چی یوه ورځ ده تیره به شی بیا یی یو هیئت راولیږه د کوتل سر ته ویل یی چی د اول خط قوماندانان دی راشی چی موږ تورن امان الله راغوښتی ده دی پوستی کی کینو روغه جوړه وکړو چی دا مسلمان کشی بنده شی نو دوی ماته په مخابره کی وویل چی ورشو د اول خط قوماندانانو ماورته وویل دا خلك غدار خلك دی مه ورځی همداسی می ورته وویل د پټی خبره نه ده بیا یی راته ویل چی موږ ته یی له جبیه یاسین شریف راوویسته او لاس یی پری کیښوده چی پردی یاسین شریف زموږ قسم وی چی موږ دروغی لپاره راغلی یو ماته یی ویل چی بیا ورشو کنه ماورته وویل چی مه ورځه بیا زه خوب وړی وم دوی پخپل سر ورغلی و هلته یی چی پوستی ته

بیولی ونه تورن امان الله و نه بل څوك دری څلور جلادان ولاړ ... یی متی پری تړلی واو کیبل یی ورته را اخیستی و په یاسین شریف یی لاس ایښی مسلمانان دی ، مسلمانان یی ځان سره نیولی کیبل ورته راواخیسته د ... یی ورته نیولی مخابره یی خولی ته ورته نیولی چی اول خط ته مخابره وکړی چی تسلیم شی هغه دمسلمان بچیان و، دومره ضعیف خلك نه ؤ مرګ یی قبول کړ خواخبره یی ونکړه خپلو ملګروته چی تسلیم شی ... واړه د کوما په حالت کی وو بعد له هغی دوی راوخوځیدل زموږ د سنګرونو په مخ شپه وه چی پیره دارانو پری غږ وکړ څوك یاستی څلور پیره داران ولاړ دی ویل یی چی خپل یو دوی فکر کاوه چی هماغه قوماندانان دی چی بیرته راغلل چی رانږدی شوی خبری به یی کړی وی او

وراندی نه یوتللی .

الله جل جلاله زموږ خبری اوری قسم په خدای دی چی دا جنګونه مانه دی کړی څلور جنګه حزب وحدت زما پر خلاف وکړ ما به جنګ نه غوښته نه پری خبروم نه می پلان جوړ کړی و نه یی په شروع باندی خبروم راباندی تحمیل شوی .

چی کله مودا خلك له افشارو نه جګ کړل له مجبوری نه دوی مخابره وکړه حکمتیارته ، هغه مخابره ټوله ثبت شوی چی ما سره کمك وکړی وایه ! ... وایی چی دا به وشی د هماغه ځای نه یی شروع وکړه دا د پغمان کلی یی ویشتل ، ویشتل ، ویشتل ترهغو پوری چی د خلکو چیغی یی پورته کړی او ددی فیرونو په مقابل کی یو متقابل فیر هم قسم په خدای دی که زموږ لخوا پرده شوی وی نه مو دی کړی ، ددی لپاره چی زموږ د

خو ددغو کوششونو په نتیجه کی زموږ د صف دوه زره کسان شهیدان شول. ما خود مزاری پلار نه ووژلی چی ما سره یی جنګ کاوه ،ما خو د دوستم پلار نه ووژلی چی ما سره یی جنګ کاوه نه د بابا جان اونه د مومن ، هغوی لیدل چی دا سړی سوله او روغه کی منډی رامنډی کوی که سبا ددی خلکو په مینځ کی روغه راغله موږبه نه یو ، موږ په مرګ باندی محکوم یو هغوی په دی روغه او جوړه کی خپل مرګ لیده ددی لپاره چی موږ مشغول وساتی ددی لپاره چی موږ روغی جوړی ته وخت پیدا نکړو نو کله هم چی ما دا خلك کینولی هغوی راباندی حمله کړی ده زموږ دوه زره کسان په دی لاره کی تللی نه مو پادشاهی غوښته نه مو صدارت غوښته، نه مو پیسی غوښتی ، نه مو بل څه غوښته ، یواځی دخدای جل جلاله په خاطر مو ددوی مینځ کی روغه کوله چی اسلام حاکم شی ملك کی استقرار راشی

دوی به پری پوه شوی وی نو دا څلور واړه یی شهیدان کړی زه دا د ګلبدین داسلام کیسی تاسی ته وکړم ددی لپاره چی سرمو پری خلاص شی دا څلور واړه یی هلته شهیدان کړی بیا بعد له هغی حاجی شیر علم قومانده ورکړی چی اوس یی وولی اوس نه تنها چی جایزه ده بلکی فرض او واجب ده ویشتل یی ، په دی وخت کی هغه د چهار آسیاب غږ و پوښتل یی چی کوم ځای ته ورسیدی دوی بیرته ورته وایی چی فلانی ځای ته ورسیدو همدا سی مه پخپل غوږ واوریده چی ورته وایی چی الله اکبر پر مخ ځی ته به وایی چی ماسکو ته ورننوځی! مادی پادشاهی نیولی؟ صدارت می در څخه قبضه کړی؟ تا غوندی می کمونیستان ځان سره ساتلی، قاتل می حمایه کړی؟ د بینن سیوان پروګرام سره روان شوی وم دا ملك مي خرڅ کړی دی؟ هیتونه می له نجیب سره په بغداد او لیبیا کی ناست و؟ کوم جنایت و چی موږ له تاسره کړی و؟ جنګ دی شروع کړ هغه کار نامی حتمی شوی موږ پخپل ځای ولاړیو

جهاد په تاریخ کی دا څوك ثبت نکړی چی موږ یو ډز هم ولو که پر متقابل باندی وی د هغو ګوندونو پر خلاف چی په جهادی اسلامی ګوندونو باندی مشهور دی چی د هغوی پر خلاف موکړی وی دا کارمونه دی کړی هغه معاملی هم ټولی تیری شوی دی مو دری ، څلور ځلی میلمه کړ پغمان کی رئیس دولت مو ورته راوغوښت ، وزیران می ، راوغوښتل اولینه کابینه یی ماورته دایره کړی ده دا یوه لویشت ځای یی په ټول افغانستان کی نه درلود چی د کابینی مجلس پکی دایرکړی داکابینه ماورته دایره کړه عزت می کړی احترام می کړی ، د ملك په خاطر نه دده په خاطر بلکی ددی لپاره چی دی ملك کی آرامی راشی سوکالی راشی ، خلك په خپل ژوند باندی پوه شی خو ده چی هرڅه وکړل هماغه هم تیر شول بیا بعد له دی دولت جګ شو دوستم یی میلمه کړ ، ما هغه وخت کی هم ویلی و اوس هم وایم چی بلکل یی بد کړی ، بلکل یی خلاف د اسلام او خلاف د شریعت یی کار کړی چی دوستم یی

هماغه وخت کی چی مختلفو جهتونو دوستم ته د راکړی ورکړی لاس ورکړی و ما په زغرده ورته اعلان وکړ چی مونږ په افغانستان کی د جنبش په نامه تنظیم نه پیژنو

ځان سره ساته ، خلاف د اسلام او شریعت کار وکړ ، که مونږ په دی کارراضی وای کومه شپه به مو کابل کی کړی وه،غیر له اولی شپی چی کابل ته رسیدلی یم بیا می شپه په کابل کی نه ده کړی'دا می خدای چل جلاله سره عهد کړی و تر څو چی گلم جم او کمونیستان له کابل نه ونه وځی زه به سنگرنه پریږدم او کابل کی به شپه نه کوم کله چی هغه راغی حکمتیار په بگرامیو کی کابینه دایره کړه'فیصله یی د کابینی واخیسته په اکثریت چی زه دوستم ته نوه وزارته ورکوم کله چی مونږ له دی کیسی خبر شو په هرترتیب چی و دوستم مو له کابل پسی واخیستی ، دوستم و دارشو چاورته احوال ولیږه چی د اتحاد تنظیم تصمیم درته نیولی همدا

کلی کی اوسیږی ښایی په دی مجلس کی ناست وی او زما خبری به اوری انجنیر قطب الدین او مجاهد نواړه ماته ویلی چی د خدای په خاطر دا زمونږ مشر ډیر ژروگوره چی په کوم بل اړخ باندی اوړی ځوکرتی یی راته عذر وکړ اوس دادی ورسره ولاړ دی ولاړ دی هو ! نوی ماته عذر وکړه چی دا زمونږ مشر ژروگوره چی کوم بل اړخ باندی به واوړی بیا به ملك کی نورمصیبتونه راځی ماورته وویل چی ورشی رایی ولی! نوی سبا ولاړل سړی یی راوسته"هغه ته مو ارغندی کی دا د میدان د کوتل پر لار هلته مو نوه خیمی ووهلی یوه خیمه کی سره کیناستو ، چی دا کیناستلو'ده راته وویلی دا ځلی به راسره دریږی !! سم به راسره دریږی ! ماورته وویل چی

هو دغه شی زما هیر شوی و دا مو پکی ولیکل بیا موروته وویل چی انجنیر صاحب دغه انتقادونه چی ته کوی قسم می ورته یاد کړی چی دا ټولی زما انتقادونه دی دا انتقادونه ښه دی دا اوس ماته شله دی چی د معاون په صفت راسره کار وکړه ما نه ده منلی خوزه دا انتقادونه لرم کنه اوس داسی چل وکړه ته وایی چی بانکونه یی لوټ کړل زه وایم جی داخبر،او دا شکایت باید زه وکړم ځکه هغه بانکونه لوټ کړل تاټول ملت لوټ کړ ، په سروبی کی دی ورته پاټك اچولی په میدان کی دی اچولی په چهار آسیاب کی دی هم آچولی هغه به بانکونه تلاشی کړی وی تا د ملت فرد فرد او حتی ښځی تلاشی کړی همدا سی ده کنه ؟ خلکو کابل ته تللی یاستی نوماورته وویلی چی دا شکایت خو باید زه وکړم لومړی راځه داسی کار وکړه چی دخپل ځان نه دیکتاتور مه جوړوه ! ځان نه مستبد مه جوړوه ! راځه ځوکسان ته وټاکه، ځوکسان به څه وټاکم یو گړ هیئت به فیصله وکړی چی جنگ کوو قسم په خدای ده چی زه به له تا نه مخکی په کابل باندی جنگ کوم خو دوی به د شریعت له مخی فیصله کوی که ویل یی چی فتنه ده څو غروته راځه نواړه به خو که ویل یی چی قضیه د مذاکری له لاری حل کړی دواړه به څو سیی ده ؟ ده ویل چی هو! په همدی مو دعا ده ما وی چی دعا وکړی په همدی باندی مو دعا وکړه،ما ویل : ستا د هیئت غړي ځوك دي ؟ ده وویل : انجنیر قطب الدین دی او مجاهد دی ، ما ویل زمونږ لخوا سید محمد ده موسی خان ده او جگړن سراج الدین ،ما ویل په همدی خبروبه له استاد سره هم وغږیږم ؟ وی ویل ورشه پری وغږیږه زه لاړم د پنجشنبی په ورځ له استاد سره می دده خبری مطرح کړی چی د شنبی په ورځ جنگ پیل کیږی زمونږ هیئتونه یوه ورځ ارغندی کی او بله ورځ بگرامیو کی کیناستل ، هیئتونه ژوندی دی دری دی خوا نوه هغه خوا هیئتونو په اتفاق سره دانظر تائید کړی ددغه هیت چی دده غړی هم پکی و په اتفاق سره یی هم نظر تائید کړی و هغه دا چی د ټول ولایاتو دی دری ، دری کسان بیا څلور کسان راشی راویه یی غواړو'نوی دی کینی قضاوت دی وکړی فیصلی دی وکړی، حکومت کی نوی تغیر او تبدیل هر څه چی راولی نوی دی راولی دا دگد هیئت فیصله ده زه لاړم استاد سره وغږیدم استاد ویلی چی ته کوم ځای وټاکه چی زه ته اوانجنیر حکمتیار سره کینو ، د جمعی په شپه چی بیرته راغلم ده ته می تیلفون وکړ ما ویل چی هیئتونو خو گډه فیصله کړی او زما او ستا کار لنډ شوی پس له دی په یوه صف کی ولاړیو استاد سره ماخبره وکړه استاد ویلی چی زه حاضریم هر چیرته وایی کینو، راځه استاد سره کینو ، کړ، بی ومنل د خبرو له لاری موضوع حل شوی وه

ښه او زما او ستا دهیئت مشترکه فیصله وتلی ده، په خواب کی یی راته وویل چی نه دا خلك روغه نه غواړی دا خلك د حزب اسلامی ورکیدل غواړی ! ما ورته وویل چی انجنیر صاحب ما اوتا خبری کړی زه تا وروليږلم هغو ویل چی کینو ده ویل چی نه ، نه زه خبریم چی دوی زما ورکیدل غواړی ماوویل ښه نو له ما سره ولی کیناستی؟ زه دی ولی وروليږلم هغوی راته ویل چی راځی کینو هیئتونه مو ناست دی ده ویل نه هغوی زما ورکیدل غواړی تیلفون یی کیښود سبا شپی ته ماته له کابل نه مخابره راغله چی حزب اسلامی نن شپه جنگ کوی ما بیاتیلفون جگ کړ په همدی شپه چی په سبا یی جنگ شروع کیږی ډیر و رونه په هغه کوته کی ناست و ما ورته وویلی چی انجنیر صاحب ، ده ویل چی هه ،

بلکل که په دی جنگ کی ته ځان حق په جانب هم وبولی اول خو حق په جانب نه یی فرضا که حق په جانب وی دخدای په خاطر په دی کابل کی نه ځوك برق لری نه ځوك سکاره لری نه ځوك کمپله لری نه ځوك لرگی لری نه نوډی لری نه او به لری په دغه ژمی کی دا خلك بیا کومی خواته کوچوی دا کومی خواته لاړشی دغه ټول مصلحتونه دغه رقتباری صحنی می ټولی ورته مخی کی کیښودی چی دا خلك ددی خلکو ناموس غیرت اوماشومانی کومی خواته لاړی شی دا اوس چی تاسو خیرخانی ته لاړشی په یوه جومات کی سل نوه سوه فامیله دی، یوکوټج کی پرده ده ښځه ناروغه ده او اولاد زیږوی بل کی پرده نیولی چی یوه ښځه وضع د حمل کی ده ، هلته دری څلور تنه ناست دی جنازه

توگه می ډیر عذر ورته وکړ دده ځواب راته دا و چی زه خو جنگ نه کوم نوی راباندی حمله کوی ما ورته وویل چی دی خواته ماته وضعه معلومه ده په تا ځوك حمله نه کوی ویل یی نه نوی راباندی حمله کوی بیا می ورته وویلی چی ددی خوا ضمانت به زه درته وکړم ولو که سم اعتبار پری نه لرم خو زه به یی ضمانت درته وکړم ویل یی چی نه نوی جنگ کوی ماته معلومه ده ما ویل گوره دا مخابره او دا نمبر د تیلفون که یز دریاندی وشو ماته مخابره وکړه زه به مداخله وکړم تیلفون می کیښود مخابری والا ته می وویل چی تاسو تحقیق وکړی چی څه خبری دی مخابری والا ویل چی دا سړی خو ټانکونه وړاندی کوی قومانده ده، ده پسی می شروع وکړه تیلفون کوم، مخابره کوم ، تردری بجو د شپی کیناستم ځواب یی راته رانکړ تر سهاره او دا د کابل والو ته می ویل چی تاسو به غم نه کوی دری بجی د شپی په ما باندی خوب غلبه وکړه ویده شوم څلور نیمی بجی وی چی راجگ شوم ما ویل څه چل ده ویل پی جنگ شروع شو، گلم جم له میدان هوایی مخ په ښار راوخوځیده له مکروریانو راوخوځیدل له بالاحصار او تپه مرنجان نه په ښار راکوز شول ، سبایی می په مخابره کی واوریدل چی دادی مونږ وزارت دفاع ونیوله ما قوماندانان راټول کړل ما ویل چی ورونو څه کوی ! یوه هم د حکومت نه شکایت درلود ، بل هم درلود چی مونږ سره دی حکومت څه کړی دی؛ ماورته ویل چی دا خبری اوس پریږدی اوس دا راته ووایی چی د دوستم مباشر او مستقیم حکومت منلی شی ؟ که یی

ته وایی چی بانکونه یی لوټ کړل زه وایم جی داخبر او دا شکایت باید زه وکړم ځکه'هغه بانکونه لوټ کړل تاټول ملت لوټ کړ ، په سروبی کی دی ورته پاټك اچولی ، په میدان کی دی اچولی په چهار آسیاب کی دی هم آچولی هغه به بانکونه تلاشی کړی وی تا د ملت فرد فرد او حتی ښځی تلاشی کړی ...

نن شپه دی وژنی هغه ولاړ یو تعلیمی طیاره کی د یوه پیلوټ تراړخه تنها نوه په نوه لاړل نه یی له رئیس دولت سره خدای په امانی وکړه نه یی له خپلو قوماندانانو سره خدای په امانی وکړه او نه یی کوم مشاورین او د وساطت ملگری په ځان خبرکړل تنها ولاړ او ورته یی ویلی و چی خیر خانی کی درته سټنگر ځای پر ځای کړی ځومترونه پورته به،دی طیاره نه ځی چی ولی دی ! مونږ په کاریزمیر کی د ملاصاحب فیض محمد ځای کی ناست و چی یوه طیاره راغله په ارتفاع د دیرش مترو زمونږ پر سر تیره شوه چی خبر شو څه چل ده ویل یی نوستم وتښتید ، هاغه معامله شنړه شوه'دغه زمونږ تلاشونه شته چی انشاء الله یو څه به کوو تاسی ته یی مختصره ووایم چی وخت ونه نیسم چی دی آخرو کی مونږ خبر شو چی له هند نه کمونیستان بیرته کابل ته راروان دی د تاشکند نه راروان دی کابل ته، څه چل ده ، څه خبره ده په دی کی مو دلته او هلته تحقیق او جستجو وکړه بالاخره خبر'جوته شوه چی څه شی ده د دوستم کمونیستان او د حزب اسلامی په گډ تعاون سره کودتا کیږی! په کابل کی د څه لپاره کودتا ده قدرت یی 'دڅه شی لپاره خپل مینځ کی ویشلی ده؟ تقسیمات شوی لامعلومه نه وه ما حکمتیار ریسی احوال ولیږه مخکی له دی وروستی جنگ نه به ماورته وویل زه درسره گورم دی راتغی انجنیر قطب الدین او مجاهدیی راولیږه دا د ننگرهارد حزب اسلامی ولایتی امیر نواړه ژوندی دی شپه یی ماسره وه بعداً کی منصف هم په دی شپه کی [illegible] په همدی

زه دی یوځل په خبر پوه شم چی ته څه غواړی بلکل به درسره دریږم! نو ده راته وویل که زه د استاد ربانی په ځای واقع شم په دغه موقعیت کی جنگ راسره کوی او که به غلی ناست وی یعنی مقصد یی دا و چی که اوس دوستم او دا کمونیستان ما سره وی او زه په راس د دولت کی وم ته به څه راسره کوی ماورته وویل چی وه هلکه لکه چی څه شی دی پاخه کړی دی که څنگه ؟ ده راته وویل چی نه هڅی پوښتنه می وکړه نو ما ورته وویلی چی هماغه ساعت هماغه مصلحت هماغه وخت به بیا خبری کوو راځه اوس څه لری؟

ده راته وویلی چی دا ، دا او دا انتقادونه زه په دولت لرم په دی مینځ کی مولوی صاحب حمید خان ناست دی شاید په دی مینځ کی چیرته وی انجنیر قطب الدین ناست ؤ مجاهد ناست و منصف ناست و انجنیر عبدالله چی یو وخت معاون د حکمتیار وناست و ما انجنیر عبدالله ته وویلی چی ورقه واخله دا شیان و لیکه دا دری ورځی پخوا له دی جنگه'واخله ورقه اودا شیان ولیکه یو ، دوه ، دری نهه مادی یی ولیکل! چی بانکونه جوړشی'دا وشی'د اوشی د یوی ولسوالی حکومت ده دا د ټول افغانستان حکومت ده'څه نور شیان ولیکل، ماورته وویلی چی د حکمتیار صاحب لخوا یوه بله خبره هم ولیکی' انجنیر عبدالله ته می وویل چی د انجنیر صاحب حکمتیار لخوا هغه بله خبره هم پکی ولیکه هغه دا

چی دا گلم جم اوکمونیستان به نه په کابل کی پریږدو نه په چهار اسیاب کی! ده وویل چی

ما قوماندانان راټول کړل ما ویل چی ورونو څه کوی؟ یوه هم د حکومت نه شکایت درلود بل هم دولود چی مونږ سره'دی حکومت څه کړی دی؟ ماورته ویل چی دا اوس پریږدی اوس دا راته ووایی چی د دوستم مباشر او مستقیم حکومت منلی شی که یی نشی منلی؟ دا خبره راته وکړی: بیا می هغه کیسه ورته وکړه ما ویل چی مونږ په دهمزنگ کی بندیان و دا و د بندیان کړی و نفر یی راڅخه وژلی وخپله په توقیف کی و په قفس کی و چی د تره کی او د هغه د ملگرو د نیولو پسی خلقیانو پرحکومت کودتا وکړه تردی مخکی مو په هر لمانځه کی دعا کوله چی یا الله په داود یی چپه کړی خو چی کله چی تره کی شروع وکړه زمونږ.دا ټول بندی ملگری ناست و لاسونه یی نیولی و چی خدایه ورته ټینگ یی کړی .

یی په مخ کی پرته ده اوژاړی دا ټولی صحنی می په مخ کی ورته کیښودی ماوی دا حال دی د کابل د خلکو ، خدای ته و گوره دا جنگ مه کوه هغه بله شپه یوه کور کی لس مړی شوی و بیایی په شپه کی ایښی وه سبایی چی راجگ شول دا ددوی وینی جسدونه او کالی مخکی سره یخ وهلی و ددوی جسدونه له مخکی نه رابیلیدل ، چی هدیری ته یی یوسی نه برسټن و نه گرمی او به پیدا کیدی چی لاندی تری واچوی او هدیری ته یی یوسی په دی

نشی منلی دا خبره راته وکړی بیا می هغه کیسه ورته وکړه ما ویل چی مونږ په دهمزنگ کی بندیان و دا-بندیان کړی و نفر یی راڅخه وژلی وخپله په توقیف کی و په قفس کی و چی د تره کی او د هغه د ملگرو د نیولو پسی خلقیانو پرحکومت کودتا وکړه تردی مخکی مو په هر لمانځه کی دعا کوله چی یا الله په داود یی چپه کړی خو چی کله تره کی شروع وکړه زمونږ دا ټول بندی ملگری ناست و لاسونه یی نیولی و چی خدایه ورته ټینگ یی

اوداچی دا اوس څه شی پاتی دی،اوس یو شی دادی په لاس کی پاتی دی،چی دکابل د خلکو د سیاسرو ،ماشومانو ، سپین ږیرو پرستونی یی پښه ایښی ده چی یا به کابل ماته تسلیموی،یابه تاسی وژنم دا آخرین حربه ده چی دی استعمالوی ...

کړی!

نو هغه سړی چی مونږه یی نیولی و توقیف کړی ؤ د هغه د ټینګولو لپاره مونږ دعا کوله چی تر پرونه مود هغه د نسکوریدو دعا کوله نن مو ویل چی حدایه ټینګ یی کړی په خاطر ددی چی سور کفر راروان شو دلته خو حکمیتار د یوه جهاد او اسلامی تنظیم مشرو کاش کی چی ده دا کودتا ځان ته کړی وای جریر اوجنرال ملك چی په تاشکندکی کومه ورقه امضا کړی هغی کی څه شی دی ؛

نهه ولایته اته د شمال او یو د بادغیس ددی حکومت به د دوستم سره وی جنبش ملی سره نهه ولایته او صوبائی حکومتونه به وی دا حکومت به ګلم جمو سره وی د کابل او د تورخم د لاری امنیت به د ګلم جمو سره وی ، وزارت دفاع او ځینی نور وزارتونه به هم ګلم جم سره وی ، مزاری به معاون د صدراعظم وزیر د داخلی او پنځه ولایته به هم ورسره وی میدان وردك ، بامیان ، غزنی ، فراه اوغور ، ددی لپاره چي له ایران سره سرحد ولري امنیتی قوا اودفاعي قوا د ملك دا ټوله به ددي خو نفرو ګلم جم اومزاري سره وي دا د حکمتیار صاحب اسلامي انقلاب و چي کابل کي-دکاوه مونږ د استاد رباني ددفاع او حمایي لپاره نه یو راپورته شوي د کوم بل کس د حمایي اودفاع لپاره نه یو راپورته شوي مونږ د خپل ایمان ، عقیدي او د ملك د سرنوشت په خاطر راپورته شوي یو ، په هماغه سبا مي شپږ سوه نفر قومانده کړل ماویل اول سنګرته لاړشي اولاړل ، هغه کوم فرض واجب

سالنګ په لار به راکوز شو په دي کي هم زمونږ آشنا ورسره موافقه وکړه!!

ددی نست آورد او نتیجه او ثمره به څه شی وي چی په جومات کی به جګ شوی ویل به دی چی زه خواسلام ګڼم چی د پکتیا او ننګرها هیتونه به درغلل او قومی مشران به درغلل ورته ویل به دی چی زه پښتانه ګڼم ، خو هلته په کندز کی دی له پښتنو سره څه وکړل ؟ ، په دی هکله دی له مسلمانانو سره څه وکړل او په کندز کی دی پښتنو سره څه وکړل ؟ زمونږ له خولی به الحمدلله تراوسه تاسو د پښتو فارسی خبره نه وی اوریدلی او نه مونږ پری ایمان لرو لکن ددوی خبری درته کوو هلته چی دوستم غابش چیچی کاوه دټولو مسلمانانو پرخلاف خصوصا د هغو خلکو هغه قبایلو په عنوان به یی د جنبش نعری وهلی شپه ورځ به یی ورته غاښونه چیچل چی څه وخت به میخونه ورته برابر کړی او دا چی دا راجګ شول اودوستم یی دځان کړ مونږ سره دا ټولی صحنې په فیتو کی ثبت دی چی ده غږ کاوه سید حمید الله باندی ، سیدهاشم باندی چی د حاجی صاحب قوتونو ته لاره خلاصه کړی مخ په کندز باندی ، نوما به امیر محمد ته په مخابره کی ویلی چي دغو خلکوته متوجه اوسه ، ده به ویل نه ددوی له طرفه بلکل مطئمن اوسه دا مسلمان خلك دی مونږ سره یی وعده کړی ده ، دا به د جنګ په اول خط کی له مونږ سره د دوستم خلاف جنګیږی سبا ته چی بیا مخابره راغله بیا می ورته وویل چی امیر خانه دی خلکوته متوجه اوسه ده راته ویلی چی

خبر یی ما ویل چی پرون مخابره شوی وه جنګ د برګنك کوتل کی ده ، ده راته وویل چی کندز خو سقوط وکړ ، ماویل چی کندز ځنګه سقوط وکړ دښمن یی د تیښتی لار نیولی او ته وایی چی کندز سقوط وکړ ویل یی د شپی حزبیان جګ شول مجاهدینو ټول تللی و اول خط ته څه غیر معروف کسان یی پریښی و د شاوخوا مطئمن و دوی راجګ شوی دی د ښار مینځ کی قول اردو باندی کودتا کړی دی ټانګ لاندی مین کیږده منفجر یی کړه دلته د اکمالاتو مو ټر په راکټ وولې دا پوسته ووهه دا تعمیر ووله دا قطعه ووله چی کله هغوی ته احوال رسیږی هغوی ته احوال ورکول کیږی چی خبره داسی ده تاسو هلته جنګیږی او دلته داسی وشول،ګوری چی کندز کی وضعه خرابه ده په یو رقم یی ځان خان آباد ته رسولی،ګوری چی هلته وضعه له دی بد تره ده مخ په تخار راخوځیدلی دی هغه پوځ چی د دوستم په خلاف جنګیده دری سوه ځوکسان و د هغی نه اته ، نهه سوه نور کسان قوماندان امیر سره راوتلی دی مخ په تخاراوڅه کسان عارف خان سره او څه میرعلم سره و په باا- سار کی، نور ټول خلك تیت شوی و ناڅاپه د داخل د کور د خپل دورور لخوا کودتا پری شوی مصیبت وریپیښ شوی دلته ماته بشیر د بغلان،مامور غیور د بغلان سره دوه ورځی وړاندی ما تماس ونیوه ماوی څه کوی ؟ د کندز سره کمك وکړی که کندز سقوط وکړی تاسوته هم خطر دی دوی ویل چی مونږ په سبا نفر وروليږو سبا چی خبرتو شو ما ویل څه مو وکړل ویل دادی هیئت مو کندز ته روان دی ماوی چی کندز کی خو داسی معامله شوی هیئت چی لیږی نالقانو ته یی ولیږی دا خبر یی چی و اوریده وارو پار یی خطا شو بشیرخان مخامخ دوستم سره تماس ونیوه چی زه تاسره یم څه امر ده هغه ورته ویلی چی حمله وکړه د اتحاد غونډ باندی چی د علی آباد او بغلان ترمنځ پروت دی په منده ورغی هلته په دی غونډ باندی ، قوماندان د غوند ذکریا یی شهید کړ او نورغونډیی چور کړ ده چی پرون یی ماسره وعده کړی چی زه کندز سره سبا همکاری کوم نو راشی وګوری چی ده څه ونکړل خلك یی راوستل کندز ته نئوتل دوستم خلك څه پیژندل چی دا دحزبی کور دی دا د جمعیتی او که د اتحادی په کورو باندی وربرابر شول ، دوي د پښتنو مدافع ، دوستمیان راوستل چی دوی دخلکو کورونه وساتی پیره ورته وکړی ناقلینو ویلی چی زیاته همکاری یی کړی وه مونږ سره ، اول دده پر کورور برابر شوی ، امر ولایتی د حزب چی والی به و، پس له دی د هغه یو وراره یی تری تښتولی، دیو په کور ننوتل یوکاریی کړی په بل ورننوتی چوریی کړی ، له هغه ځایه دوی چیغی کړی په چهارآسیاب باندی چی دادی پرمونږ څه وکړل ؟ همدا دی راته ویلی

چی دحاجی صاحب خلکو ته لار ورکړی،حاجی صاحب خلك مو راوستل راشه وګوره چی نه یی مال راپریښی نه یی عزت پریښی ، نه یی ناموس پریښی څه وکړو؟ آخر حکمتیار ورته وویل چی ګذاره وکړی هلته د خلکو په ناموس باندی څه کیږی د خلکو په مال، کور آبرو اوعزت باندی څه تیریږی او دی دلته ورته وایی چی ګذاره وکړی !!!

ورونو ! دا هغه جریانات دی چی

دا موجوده خلك به دی ژړا اوګیلی ته هم پریږدی خودا نورخلك دی والله که ژړا او ګیلی ته هم پریږدی داخوخلکو پیژندلی دی کنه حاجی شیخ محمد غوندی خلك باوردی وشه که ډوډی داسی آسانه ځوك وخوری لکه چی دوی یوامیر ولایتی دغسی تا وکړی خوری ،منصور شهید څه کوی ملانسیم څه کوی بل څه کوی بل څه کوی دا کوم جنایتونه چی د جهاد په دوران کی د مجاهدینو پر خلاف شوی

همدا اوس نیم قوس د کابل امنیت زمونږ د مجاهدینو په لاس کی دی،یو نیم قوس د کابل ، د دارلمان له سرنه نیولی د پغمان غرونه ، شکر دری،همدغسی خیرخانی ته رارسیدلی او په داخل د ښار کی د دشت برچی له مخی نیولی تر کوته سنګی افشارو او لاندی تر جادی ، مسجدعیدګاه ، بالاحصار دا ټول.

مونږ یی په منځ کی واقع واو داحالات مو پخپلو سترګو لیدلی دی هغه و چی دخدای لطف او احسان وشو مجاهدین بیرته سره نږدی شول کندز هم فتح شو ، غداران هم له کندز نه وتښتیدل شپږ. اوه سوه کسان یي اسیر دی مجاهدینو سره سالنګ شمالی ته چی دوی پروګرام ونیوه چی دیرش زره نفر به راولی د تونل خولی ته به راولی د تونل خولی ته مجاهدینو شب خون وواهه تونل یی هم ونیوه سالنګ شمالی یی هم ونیوه خو د خنجان ترسرپوری کارروان دی دا موامره خدای شنډه کړه او شاته یی وتمبول اودا چی دا اوس څه شی پاتی دی اوس یو شی دادی په لاس کی پاتی دی چی د کابل د خلکو د سیاسرو ، ماشومانو ، سپین ږیرو پرستونی یی پښه ایښی ده چی یا به کابل ماته تسلیموی یابه تاسی وژنم دا آخرین حربه ده چی دی یی استعمالوي یا به کابل تسلیموی یا تاسو وژنم ، تورن امان الله په میدان کی ناست ده دا سیاسری چی له کمپنی نه یا کوم بل ځای نه چی هلته یی یوچارك وړه چادری لاندی نیولی وی دوی یی چادری یی ورباندی پورته کوی د لغتی وار پری کوی ورته وایی چی زه بیرته څه سیاسرو سره داسي سلوك کوي ، دا هغه خلك دی چی ددی دعوا لری چی مونږ به ددی ملك ناموس ساتو ،موږ ځکه غواړو چی داحکومت چپه شی چی ددی ملك عزت په ځای وی،دی ملك کی اسلام راولو دی نورو خو رانوست ،مونږ دغسی اسلام به راولو ، ورونو ! دا پرته ددی معنی ټلری چی مونږ وایو چی موجوده نظام دی چی مثال یی نه پیدا کیږی که مونږ په دی موجوده وضعه قانع وی اوس به ددولت ارګان کی داخل واوکار به موکاوه مونږ د اسلام نه دفاع کړی دی د عزت آبرو او ... ملك او ددی ملت نه مو دفاع ک... ده خو داخبره ټولو سره ده چی

دا هریوه به چی سرجګ کړ د هغه سر به یی غوځ کړ ،اوس دوی سره دا فکر ده چی دا داتحاد تنظیم به دپیسو په خاطر مونږ سره جبهه نیولي چا به پیسی ورکړی وی لکه ځنګه یی چی لیکلی و په شهادت کی چی یو هیئواو یو هلیکوپتر پیسی دوی ته وررسیدلی وی ځکه ورسره ولاړ دی زه وایم چی د پیسو بندګان هم په دی ملك کی معلوم دی او دخدای بندګان او د اسلام نوکران هم معلوم دی په دی ملك کی مونږ یواځی د جینوا معاهدی د ردولو په خاطر یو نیم کال په میاشت کی پنځوس لکه کلداری تاوان په ځان باندی منلی چی له مونږ نه ګرځول کیدی په میاشت کی پنځوس لکه کلداری فقط ددی په خاطر چی زمونږ تنظیم اعلامیه صادره کړه چی ځوك جینوا ته ځی هغه به ددی ملك غدار وی ددی جهاد سره به خاین وی. همدا اوس د کابل نیم قوس امنیت زمونږ د مجاهدینو په لاس کی دی یو نیم قوس د کابل ، د دارلمان له سرنه نیولی د پغمان غرونه ، شکر دری همدغسی خیرخانی ته رارسیدلی او په داخل د ښار کی د دشت برچی له مخی نیولی تر کوته سنګی افشارو او لاندی تر جادی ، مسجدعیدګاه ، بالاحصار دا ټول. خو زه تاسی ته قسم په خدای باندی یادوم چی زه اوس هم په قرض ډوډی خورم زه دا مجاهدین اوس هم په قرض باندی چلوم ما دری نیم زره ملیونه افغانی په دغه تیرو نهو میاشتو کی خلکو نه اخیستی او مجاهدینو باندی می خرڅ کړی د دوکاندارنه می اخیستی د صراف نه می اخیستی او همداسی سندونه راپسی پراته دی مونږ دا جهادنه خرڅوو انشاء الله مونږ ربانی سره معامله نه کوو مونږ خدای سره معامله کړی مونږ مسعود یا انجنیر حکمتیار سره معامله نه کوو زمونږ معامله خدای سره دی که د انسانانو سره مومعامله کولی اوس به نا امیده و

خو زه تاسی ته قسم په حدای باندی یادوم چی زه اوس هم په قرض ډوډی خورم زه دا مجاهدین اوس هم په قرض باندی چلوم ما دری نیم زره ملیونه افغانی په دغه تیرو نهو میاشتو کی خلکو نه اخیستی او مجاهدینو باندی می خرڅ کړی د دوکاندارنه می اخیستی د صراف نه می اخیستی او همداسی سندونه راپسی پراته دی ..

چي وهغه یي اداکړ او تراوسه پوري په اول خط کي پراته دي دا امرماورته کړي ددین په بنیاد مي کړي ، دعقیدي په مقتضا مي کړي د اسلام په مقتضامي کړي او زمونږ دا نوي امر ه و هیچا به زمونږ له خولي نه وي وریدلي چي مونږ یوه ورځ د روغي جوړي خبره جنبش یا ګلم جم یا بل چاسره کړي وي زمونږ دا موقف وله بتدا نه تراوسه پوري ، منتهي پخوا زمونږ د تبر مخه نیمسي نیولي وه وس نیمسي شلیدلي ما ورته ووي ځي ړشي د اسلام د دښمنانو چاره وکړي ه مخ کي ودریږي داسي نور پلانونه نه شي و ددي تر شا ډیري کیسي او ډیري خبري وي بیا چي داپلان ناکامه نو دوستم فیصله وکړه چي مونږ په شمال کي دیرش زره پوځ برابر کړو

کنترول لاندی دی ته مطئمن اوسه بله ورځ چی چار دره کی دوستمیانو شکست وخوړ ما ویل ځنګه دی دا دحزب ورونه ؟ ویل یی دوی خو خفه ښکاری .. .

بیا می ورته وویلی چی ته مراقبت او کنترول لر. شدید او جدی کړه.چی د دی معاملی تر شا څه خبره نه وی په سبا یی مجاهدین چار دری ته وړاندی شول ، جنګ ورروان،دبرګنك کوتل خواته،لس بجی د شپی ماته امیر محمد احوال راکړ او وی ویلی چی ددی خلکو مړی موټر پښولاندی کیږی ټانکونه یی پاتی دی او په تعقیب کی یی یو لس بجی د شپی وی بعد له لس بجی د شپی مخابره قطعه شوه په همدی ځای باندی سبایی ته مسعود راغی ماته ، ویل یی چی د کندز نه

دحزب اسلامی خلك ددی ملت جز دی دوی خاوری جز دی دوی دمسلمانانو یوه برخه ده خو قیادت یی سخت ناروا قیادت ده او دا بیچاره مسلمانان یی اری ماشین ته وړاندی کړی. په ناروا باندی دوی اره کوی

پښیمانه به و خو ځوك چی خدای سره معامله وکړی هغه نا امیدی او پښیمانی نلری زمونږ معامله خدای سره ده او جهاد زمونږ دخدای جل جلاله د دښمنانو پرخلاف دی د دوستم لاس چی په دی شلو میاشتو کی پر مونږ برابر شوی صرفه یی نه ده کړی زمونږ چی پری لاس برابر شوی مونږ پری صرفه نه ده کړی زمونږ قوماندان د میدان هوایی له لاری راتلل چی پوه شول چی د اتحاد قوماندانان په دی طیاره کی دی ډاکټر عبدالله طوفان او نورزاده ده طیاره یی په راکټ وویشته زمونږ چی لاس پکړی برشو شیرخان بندرکی مو هغه کار پری وکړ هغه وخت کی چی دوی دولت سره و زمونږ دوی سره جنګ روان و داسی نه ده چی اوس زمونږ خبره دوی سره خرابه شوی هماغه وخت کی چی مختلفو جهتونو دوی ته د راکړی ورکړی لاس ورکړی وما په زغرده ورته اعلان کړی و چی مونږ تا نه پیژنو د جنبش په نامه تنظیم مونږ افغانستان کی نه پیژنو کابل څخه ماته د چا په لاس احوال راولیږه چی دخدای په خاطر زه درځم ، کوم ډول توبه چی د یوه کافر قبلیږی هماغه شان توبه تاته ویاسم که بی خبره او بی اجازی درشم؟ ماورته .... چی انشا الله تر ما پوری به راونه رسی په دی لار کی د اسلام سپاهیان پراته دی دومره بی غیرته نه دی چی دا به ترما پری راورسی نومونږ دا معامله او سازش نه دی کړی ددوی پرخلاف زمونږ داجګړه روانه و روانه ده.

زه وایم ددی ګیلوګذاری ته څه نه جوړیږی که سبا ملك یو واری د دوستم او کمونیستانو لاس کی ولویږی بیا به هلته مونږ چاته ګیلی کوو ، وخت به له وخت څخه وتی وی دا اوس شمال دوی جلااعلان کړی و ، تیار ټول کارجوړ و د سالنګ خولی ته چی راغلی وای د خراسان په نامه اعلان کول د حزب اسلامی ته به څه ورسیدلی و دلته چی کمك ورسره کړی وی څه شی به وررسیدلی وی هلته چی جنګ شروع شو د یرش محاربوی ټانکه ازبکستان ورته راولیږل دا افواهات نه دی ماته قوماندان امیر په مخابری کی وویل چی د دوی طیاره راځی لنګرا چوی د سیند هغی خوا دی خواماد کوزوی، حیرتان کی دننه پټ ځای کی ماورته ووی چی ولی بی هغه وی چی توپچی اور لاندی ونیوله وتښتیده ورکه شوه بیا بل ځل طیاری راغلی بمبارد یی کاوه طیاری ورپسی جګی شوی بګرام نه، ځغلولی ترځو چی ټولی طیاری لاری په ترمز کی د ازبکستان په میدان کی کیناستی، له هماغه ځایه جګی شوی وی هماغه بیرته کیناستی دا د روسانومداخله ده ورونو ، روسان چی هماغی وخت کی هم راغلی و ټول خو یی سره او سپین روسان نه وراوستی خو د همدی تاجکستان او ازبکستان څخه یی راوستی و اوس هم عینا هماغه مداخله ده او زمونږ ګناه داوه چی د اسلام غږ مو پورته کړی ! ویلی مو دی چی د کمونیستانو خلاف دی جهاد وشی د کمونیستانوخلاف دی جنګ وشی نه یی پرېږدو ، حاجی صاحب فرید(د حکمتیار سکرتر) زمونږ ډیرمحترم ورور چی زما شاګرد هم ده او کلی کی هم لس کاله راسره تیر کړی هغه په مخابره کی حکمتیار ته وایی چی حاجی دوستم ته ووایه چی دا د سیاف مرکز په سکاړوولی چی دا د فسادمرکز دی چی دا ختم شی ، ما ورته مخابره کی بیرته احوال ورکړه چی هغه تحفه دی راورسیده دحسن نظر نه دی ډیره شکریه ، همدومره می ورته وویلی دا زمونږ هغه مسلمان ورونه دی چی ددوستم په سکاړ باندی مونږ ختموی او دوستم په طیاره باندی مونږ وهی وایی نن زمونږ طیارو فلانی ، فلانی ځای وویشت هلته به راغلی په کلیو باندی به یی خوشه ای بمونه واچول پیلوټان یی، کمونستان ورته خوشحاله وو جګ جګ الوتل پردی ګناه دوی پخپله غاړه اخیسته .

ورونو ! اوس هم هیت ناست دی په کابل کی دهیت حتی غړی به دلته هم ناست وی، مولوی صاحب اکرم مخکی خبری وکړی دا هم د هیئت غړی دی مونږ دی هیئت سره پوره تعاون کړی لار مو ورته خلاصه کړی، صلاحیتونه مو ورته له خلکو اخیستی ورته ویلی مو دی چی ورشی دا روغه وکړی چی په کوم رقم یی جوړه کیږی ، اسلاماً شرعاً مونږ دوی ته تابع یو ، اوس هم مونږ ددی جنګ طرفدار نه یو باور دی وشه چی یومرمی د حزب سنګر خواته ورځی ، د حزب سنګرو خواته ، لکه زما لاس مټ او بازو چی په مرمی لګیږی ، دحزب اسلامی خلك ددی ملت جز دی ددی خاوری جز دی دوی دمسلمانانو یوه برخه دی خو قیادت یی سخت ناروا قیادت ده او دا بیچاره مسلمانان یی داری ماشین ته وړاندی کړی په ناروا باندی دوی اره کوی همدا خلك زما او ستا ورور ، تره زوی اوتر بور هم دی بل ځوك خونه دی خو قیادت یی ناروا دی زه وایم دحزب ورونه دی خپل قیادت ته ووایی چی لاطاعة لمخلوق فی معصیة الخالق .

د خدای په خاطر ستا تر قوماندی لاندی موجهاد وکړاوس مو د مسلمانانو پر خلاف مه جنګوه، دملت پر خلاف مو مه جنګوه هغه ورځ ماته د حزب یو قوماندان راغلی راته وایی چی زه یی په ناروا، په غلته بوتلم ، بالاحصار ته ، زه چی لاړم ماوی فضل دخدای دی لکه چی بالاحصار مونږ فتحه کړی ابوبکر په مخابرم‌کی راته وایی چی محاذ روی ټانکونه یی وروليږل پیکپی راولیږه چی دوی درشی چی ورغلم ماورته وویل چی ابوبکر چیرته دی ویل یی چی تاکاوی کی دی چی ورتیر شوم ګورم چی جنرالان ناست دی قومانده د جنګ یی په غاړه ده وایی زه بیرته راووتم دوی ته می وویلی چی دغه تذکره کی چی زما زخمی راروان ده په دی کی خو د ګلم جمو زخمی هم راروان ده ، دوی خو زما سل کسه وژلی دی کته، دا دده وینی څنګه زه د خپل شهید وینی سره په یوه ټوټه کی خلط کړم، د هغه ځایه راغلی کور کی ناست دی بل با احساسه ځوان همداسی کیناستلی بل به راشی او همداسی به کینی چی څوك نره اسلامی شعورو لری دا درك کولی شی .

چی زه دی تر پرونه پوری ټوټی ټوټی کرم په دی باندی چی دوستم دخدای دښمن دی اوس زه څنګه د دوستم تر قوماندی لاندی کاروکړم اوس سید حمیدالله تر پرون به چی دقوماندان امیراو عارف خان په اړخ کی به ناست وی جهادی شورا کی معزز ، د ورور په صفت هغه درته بنه وه که دا چی اوس د ده دادی په میدان کی د دوستم میلمه یی .

لر چی سری ځان زیوکړی خادر پر ځان راکش کړی پوهیږی چی زه پر کومه روان یم او په کومه خواروان یم.

ورونو ! وخت می ستاسی ډیر ونیوه دا مکلفیت و چی زه دا کوم جریانات چی ما په سترګو لیدلی او په غوږونواوریدلی تاسوته یی واوروم اوس هم مونږ په دی لټه کی یوچی په افغانستان کی دی یو سالم نظام او یو سالم قیادت رامنځ ته شی هغه نظام چی خدای پری راضی وی هماغه قیادت چی خدای ته منقاد وی او پاك خدای دی افغانستان هغو خلکوته وروسپاری چی دوی له خدایه ویریږی خدای ته نږدی وی او په مخلوق دخدای باندی رحم ولری ، کوم خلك چی د اسلام او مسلمانانو د تباهی نیت یی کړی پاك رب دی ورته هدایت وکړی مونږ بیا هم سوال کوو چی خدای دی ورته هدایت وکړی او که هدایت نه منونکی وی پاك رب دی دا ملت د هغوی له شر نه خلاص کړی پاك رب دی مونږاو تاسی ته د هغی لاری هدایت وکړی چی د ده رضا او خوشنو دی پکی وی او ددین سره او داسلامی دین سره سمون ولری او اسلام په چوکاټ کی وی الله جل جلاله دی زمونږ اوتاسی ګناه وبخښی ، پاك ربه ! ته موددین او دنیا حاجتونه روا کړی ارمانونه مو به دنیااو آخرت کی تر سره کړی، ګناوی مو راوبخښی، دښمنانوته موونه شرموی نور موونه شرموی ، پرووردګاره لوړ شو د ښمنانو ته ته مو بیرته جامی را په ځان کی کړی! پاك ربه مونږ ته مصیبتونه لری کړی، مشکلات مو آسان کړی غیبی نصرت راپه برخه کړی ! الهی ته اسلام ته په مونږ عزت ورکړی اومونږ ته په اسلام عزت راکړی الهی ته مو پرده په دنیا او آخرت وکړی الهی ته موله ذلت ، اورسوایی ددنیا او آخرت نه وساتی ، پروردګارا! ته مو دعا وی مستجابی کړی سلم وبارك علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبه اجمعین والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته .

اوس هم مونږ په دی لټه کی یوچی په افغانستان کی دی یو سالم نظام او یو سالم قیادت رامنځ ته شی هغه نظام چی خدای پری راضی وی هماغه قیادت چی خدای ته منقاد وی او پاك خدای دی افغانستان هغو خلکوته وروسپاری چی دوی له خدایه ویریږی خدای ته نږدی وی او په مخلوق دخدای باندی رحم ولری

احترام کعبة الله حرمت قرآن چه شد ؟!

در ماه مبارك رمضان سال گذشته ، معاهده، اسلام آباد به امضارسید ورهبران تنظیم های جهادی بمعیت صدر اعظم وقت پاکستان بشکرانه، این پیروزی بزرگ وتجدید عهد وارد مکه، مکرمه گردیدند وبه دیوار کعبةالله سرو رو مالیدند ...

این نخستین باری نبود که پس از یك توافق به مکه بروند ودر برابر خدا وکعبةالله سوگند یاد نمایند که بر توافقات عملی وتعهدات خویش عمل خواهند نمود چند سال قبل در دوران جهاد وتجاوز روس ها نیز همه رهبران موفق گردیدند تا در یك تشکیل واحد تحت نام « اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان » گرد هم آیند وتحت زعامت واحد به جهاد ادامه بدهند .

درآن توافق نیز به قران عظیم الشان سوگند یاد شد و بعد جهت توثیق آن به مکه، مکرمه رفتند ودروازه، کعبةالله بروی شان باز گردید وهمه با آه وگریه تعهد سپردند که باهم متحد خواهند بود ، بحال مردم مظلوم ورنجکشیده، خویش وامت اسلام ترحم خواهند نمود واز هوا وهوس واختلافات ورقابت های ناروا دست خواهند کشید...

آقای حکمت یار در مورد آن اتحاد وپی آمد های آن می نویسد : « ... ولی در پشاور اتحاد صورت می گیرد ، در مسجد قسم میخورند ، در برابر بخاری شریف وقرآن عظیم الشان در مسجد خدا در محضر علمای کرام وعده،کثیری ازمردم تعهد میکنند اما بمجردی که به روم ، لندن ونیویارك میروند (اشاره به مجددی) ودر آنجا به ایشان گفته میشود که اشتباه کرده اید که با نیروهای بنیاد گرا متحد شده اید زیرا قیادت انقلاب بدست بنیاد گرا ها خواهد افتاد ، باید ازین اتحاد برآیید ، از آنجا تیلفون میکنند وبه پیروان خود دستورمی دهند تااتحاد را ترك بگویند ، پس می بینیم که در پشاور اتحاد صورت می گیرد ولی از کجا این اتحاد متلاشی می شود ؟! از لندن !! از نیویارك !! »
(نهضت وعناصر فرصت طلب ص٤٤ و٤٦)

وباز هم پس از امضای معاهده، اسلام آباد ورفتن به کعبةالله حتی قبل از خشك شدن سـاهی ـتن معاهده ، کابل راکت باران میشود ، صدها تن بخاك وخون می غلطند ومعاهده عملا نقض می گردد ، ولی معلوم نگردید که این بار از کجا تیلفون شد وچه کسانی دستور دادند تا معاهده نقض گردد ؟!

معاهده، اسلام آباد با این کلمات آغاز میگردد:

« ما به رضای خداوند جل جلاله سر تسلیم خم نموده، وعهد مینمائیم که مطابق به ارشادات قرآن وسنت عمل کنیم ... ما بر به پایان رسانیدن کشمکش مسلحانه با هم توافق داریم » ولی آن عهد و آن پیمان را بخون شستند .

کاش قدرت طلبان جنگ افروز بحیث یك حزب سیاسی غیر دینی مطرح می بودند وکاش در پی این همه معاهدات و توافقات سخن از سوگند به قرآن و کعبة الله درمیان نمی بود ...

این خیانت بزرگ و نا بخشودنی است که به نام دین به نام عقیده، و با سوگند به قرآن و تجدید عهد در کعبة الله ، معاهده صورت گیرد و بعد نقض گردد و نتیجه و ره آورد آن ، قتل وکشتار و تباهی وویرانی باشد!!

بلی ! جنگ، جنگ و بازهم جنگ!!

چرا هیچ معاهده و توافق نامه ای نمی تواند جنگ را خاموش سازد ؟! چه قدرت هایی در عقب این جنگ قرار دارند و به آتش آن دامن میزنند؟!

این ها از جان ملت ما چه می خواهند ؟

مردم ما چه گناه دارند که باید در آتش جنگ، بسوزند و روی صلح ، آرامش ورفاه را نبینند ؟!

چرا باید مجاهدین رسوا و بدنام گردند و آبروی جهاد و عزت مجاهدین به خاك ذلت افگنده شود؟!

عناصر شریر و مفسد ، قاتل وجنایت کار ، هر روز برای ادامه، جنگ بهانه های تازه می تراشند و گفتای نو وارد صحنه می نمایند !!

عجیب است که این عناصر جنگ طلب و تبهکار از جنگ تحمیلی صحبت می نمایند و ادعا می کنند که دولت بر آنها جنگ را تحمیل نموده است.

عجب است ! دولت چرا بجنگد ؟!

کدام دولت روی زمین می خواهد امنیت و آرامش وجود نداشته و در میان آتش و خون زندگی کند؟!

کدام رئیس جمهور شوق وعلاقه دارد که شب و روز قصر ریاست جمهوری مورد حملات راکتی قرار گیرد و هرلحظه باخطرمرگ مواجه باشد ؟!

پس جنگ راکسانی براه می اندازند که یا سخت شیفته و دیوانه، قدرت اند و یا از دشمنان دین ووطن دستور گرفته اند تا نام و نشانی از جهاد و مجاهدین و افغانستان باقی نماند !!

و امروز پس از گذشت یکسال از امضای معاهده، اسلام آباد و شرفیابی رهبران به کعبة الله و سوگند به قرآن باید خطاب به مدعیان اسلام وجهاد وعناصر جنگ طلب و فتنه جو گفت که :

احترام کعبة الله حرمت قرآن چه شد ؟!

غلبهء مجاهدین بر ملیشه ها و بطلان محاسبات نظامی

ملیشه های وحشی و جنایت کار دوستم در ترکیب قوای مسلح رژیم کمونستی به نام فرقهء ۵۳ قهرمان یاد می شدند و چون دراواخر سال ۱۳۷۲ از اطاعت رژیم سر پیچیدند و به کمك مجاهدین کنترول چند شهر را در شمال کشور بدست گرفتند بنابرین پس از سرنگونی رژیم کمونستی و تشکیل حکومت مجاهدین ، همچنان بحیث فرقهء ۵۳ باقی ماندند و تشکیلات و نیروی نظامی خویش را حفظ نمودند . زمانیکه ملیشه ها از کنار رژیم کمونستی بسوی مجاهدین آمدند ، موقف تنظیم های جهادی در برابر این حادثه متفاوت بود وحداقل موضع گیری سه تنظیم معروف جهادی (جمعیت ، حزب واتحاد) در یك اجتماع بزرگداشت از شهادت استاد احمد زی بتاریخ حمل ۱۳۷۱ بصورت متفاوت اعلام گردید .

چون در آن روز ها حکمت یار سخت تلاش می ورزید تاحمایت ملیشه ها را بدست بیاورد و افراد او مصروف مذاکره با دوستم بودند ، بنابرین رهبری جمعیت با این حادثه برخورد مبهم وغیر واضح نمود ولی حکمت یار با صراحت و قاطعیت حمایت و پشتیبانی کامل خودرا ازین اقدام ملیشه ها اعلام نمود و در نقش وکیل مدافع ملیشه ها اطمینان دادکه وقایع شمال صد در صد به نفع جهاد بوده و ملیشه ها هرگز قصد تجزیهء کشور را ندارند و از مجاهدین خواست تا با آنان همکاری نمایند .

همچنان حکمتیار از سایر قوت های مسلح رژیم خواست تا از اقدام ملیشه ها در شمال پیروی نمایند...

استاد سیاف در آن محفل با جدیت و قاطعیت بصراحت اعلام داشت که پیوستن غیراز تسلیم شدن است واین نیروها باید کاملا تسلیم شوند و معنی تسلیمی این است که سلاح های شانرا بر زمین بگذارند و منتظر فیصلهء ملت باشند .

وضع بسرعت انکشاف می نمود و بالاخره رژیم کمونستی نجیب سرنگون و حکومت مجاهدین تشکیل گردید .

سرنگونی رژیم کمونستی در پی قیام ملیشه ها این گمان را خلق نمودکه گویا نیرو های ملیشه درتحولات سیاسی و نظامی نقش اساسی و تعیین کننده دارند و به اصطلاح تاج گیرو تاج بخش می باشند !

در آغاز تشکیل حکومت مجاهدین ، موقف وزارت دفاع این بودکه ملیشه ها چون به مجاهدین پیوسته اند باید بحیث جزء اردو کماکان السابق پذیرفته شوند و حکومت نو پای مجاهدین باید پیام آور صلح وامنیت باشد و از هر نوع درگیری و بر خورد مسلحانه باید احتراز و جلوگیری گردد .

همچنان باید به ملیشه ها زمینه و فرصت جبران جنایات قبلی داده شود و تا مدتی مورد امتحان و آزمایش قرار گیرند . موقف ذکر شدهء وزارت دفاع مورد تایید استاد سیاف ، مولوی خالص و مولوی محمد نبی محمدی قرار نگرفته بود ولی مصالح علیای کشور ایجاب می نمود تا از کشمکش ها و اختلافات اجتناب صورت گیرد .

موضوع مهم وخطرناك دیگر ، تهدیدات پیگیر و لاینقطع حکمت یار بود که از همان آغاز فتح کابل و بخصوص هنگام ورود کمسیون انتقال قدرت در ۸ ثور و رهبران جهادی در ١٤ ثور به پایتخت شکل جدی بخود گرفته بود .

حکمت یار حتی برای یکروز هم حاضر نشد تا حالت اطمینان و امنیت در شهر کامل حکمفرما گردد و خطر روزافزون جنگ هر روز وهر لحظه شهرکابل را تهدید می نمود.

حکمتیار چندین بار جنگ های تباهکن را براه انداخت و قصد نمود تا کابل را اشغال نماید ولی هربار با شکست مواجه شد . حملات راکتی به وقفه ها درحالات جنگ ، صلح و آتش بس ادامه داشته است.

درین شرایط مسئولین وزارت دفاع فکر می کردند که باید از ملیشه ها که دارای توان کافی رزمی برای عقب زدن حملات حکمتیار می باشند برای دفع تعرض نیروهای حکمتیار بحد اعظمی استفاده صورت گیرد ووفاداری شان به دولت مورد امتحان قرار گیرد . باید در برابر نیروهای ظالم و جابر وجنگ طلب حکمت یار همین ملیشه های ظالم ووحشی قرار داده شوند و از تلفات مجاهدین جلوگیری بعمل آید .

بعضی ها به غلط گمان می کردند که هرگاه ملیشه ها در خط اول قرار نداشته باشند ، نیروهای حکمت یار طی سه روز شهر کابل را اشغال خواهند نمود !!

در آنطرف ، حکمت یار نیز پس از شکست های پی در پی به این نتیجه رسیده بودکه فقط نیروهای ملیشه است که مانع تصرف کابل بدست او می گردد !

و اگر ملیشه ها از کنار دولت خارج شوند و او در کنار ملیشه ها قرار گیرد پس ، طی سه روزکابل را تسخیر خواهد نمود !!

بنابرین محاسبهء نظامی هر دو طرف بر محور توان و نیروی رزمی ملیشه ها استوار بود و بالاخره کودتای کمونستی - غربی - اسلامی یازده جدی صورت گرفت . کودتایی که حکمت یار در کنار ملیشه ها قرار گرفت و گمان می کرد که صد در صد موفق خواهد شد و دولت اسلامی را سرنگون و یك ادارهء ائتلافی کمونستی - غربی - اسلامی رویکار خواهد آمد !!

ولی خداوند متعال و خیر الماکرین این کودتای دقیق و بظاهر نیرومند را با شکست مواجه ساخت ، ملیشه ها نه تنها یك وجب پیشروی نکردند بلکه مواضع مستحکم خودرا ازدست دادند و در بالاحصار و تپه مرنجان محصور ماندند و نیروهای حکمت یار نیز به عقب زده شدند ...

ائتلاف ننگین با ابعاد وسیع و سرتاسری آن قصد نمود تا در شمال کشور که به گمان شان دارای پایگاه های مستحکم بوده ومرکز فرماندهی ایشان نیز در آن ساحه قرار دارد ، به حملات وسیع علیه مجاهدین دست بزنند و شهرهای شمال را از کنترول مجاهدین خارج ساخته و اشغال نمایند .

آقای حکمت یار که در طول عمر خویش با هیچ مسلمانی از در اخلاص و صداقت پیش آمد ننموده است ، مطابق طبیعت خویش با کمال اخلاص و صداقت وبا بذل جان ومال در کنار ملیشه ها قرار گرفت وبه نیروهای خویش دستور داد تا در امر سرکوبی مجاهدین و اشغال شهر ها با ملیشه های ملحد وجنایت کار صد در صد همکاری صادقانه نمایند و بااستفاده از ذخایر پایان ناپذیر پول که دشمنان اسلام وافغانستان سخاوتمندانه در اختیار او و رفیقش دوستم قرار داده اند تا کشور مارا ویران نمایند ، اقدام به اغوای عناصر ضعیف النفس نمودند و برای یك چند روز موفق به اشغال چند منطقه و غارت و چپاول گردیدند .

پس از اشغال شهر کندز توسط فرماندهان دوستمی و افراد حزبی ، آقای حکمت یار با لاف و گزاف که عادت همیشگی جناب شان است اعلام نمودکه بزودی تخار و بدخشان را نیز خواهیم گرفت!!

ولی مجاهدین مخلص به کمك و یاری خداوند بزرگ شهر کندز را در کمتر از یك هفته از لوث ملیشه های ملحد و یاران شان پاك ساختند و به پیشروی خویش جهت پاکسازی سایر مناطق در شمال کشور ادامه میدهند و در نتیجه باید گفت که غلبهء مجاهدین بر ملیشه ها ، بطلان محاسبات نظامی درگذشته را به اثبات رسانید .

سپرغی

انجنیر حکمتیار ! (انالله وانا الیه راجعون)

بنه می په یاد دی چی څو کاله وړاندی کله چی د څرخی پله په جهنمی جیل کی څو پرلپسی خونړی پیښی وشوې ، د همدغو پیښو د څیړلو او بحث په جریان کی د جمعیت اسلامی له یو متعهد ورور سره د نهضت د ورونو په باره کی ډیری خبری لاندی باندی شوی ، هغه به ددی ټولو پیښو مسئول د حزب اسلامی مشر انجنیر حکمتیار بښوده او دا به یی ویل : که چیری حکمتیار له عجلی نه کارنه وای آخیستی او د هجرت په دوران کی یی له ښه تدبیر نه کار آخیستی وای نو اوس به مو نه د داود په دور کی مولوی حبیب الرحمن ، انجنیر حبیب الرحمان ، ډاکټر عمر ، خواجه منصور له لاسه نلل اونه د ترکی او امین په تورهء دوره کی ګڼ شمیر د اسلامی تحریك د کدر عری او نور مخکښان ، هغه زیار وېست چی په هره پیښه کی حکمتیار پرېښېی ماورته وویل : هسی خو ناسی له حزب اسلامی سره د مبارزی په تاکتیك کی اختلاف سره لری ، هوا به کوه چی لماسره به په بحث کی د افراط لاره نه نیسی ، داته څه وایی هو دا خبره می هغه وخت ورته وکړ چی هغه تقریباً له پولوا وستی و [illegible]ل یی چی حکمتیار دا ټول کارونه د[illegible]ی لپاره وکړ چی د نهضت رهبری [illegible] ده ته پاتی شی - په حکمتیار کی د انحصار غوښتنی غریزه دومره [illegible]ړی ده چی د ځان نه پرته نور هیڅوك نه غواړی چی د واکمنی په چاروکی لاس اوپښی وکړی ...

ما چی ولیده زما د ملګری غوسه کیناسته نو ورته می وویل : حکمتیار ستا د خبرو پر خلاف قدرت خوښوونکی او انحصار غوښتونکی نه ، بلکی قاطع ، انقلابی او مبارز مجاهد دی - وګوره چی د ملحد دولت ټول تبلیغات په هماغه پسی دی په جیل کی هغه ځوك ډیر شکنجه کیږی چی د حزب اسلامی غړی وی ، د هغه ډیر قید وخی چی د حزب اسلامی غړی وی او آن تردی چی د کاریکاتورونو او شبنامو په خپریدولو کی هم دومره د نوروتنظیمونو مشران بد نه معرفی کیږی لکه چی حکمتیار معرفی کیږی زه خو که ربښتیا راباندی وایی داسی انګیرم چی همدغه ځوان به زموږ د کفر ځپلی هیواد او وطنوالو تقدیر بدلوی - هغه مسکی شواو د ملنډو په اندازیی راته وویل چی ته هم ځوان یی او ژر قضاوت کوی - بیا به دریاندی غږ وکړم ....

کلونه پسی تیر شول او - پیښی هم یو په بل پسی راغلی خو د حکمتیار په قاطعانه دریځ کی خلل رانغی په پیښو کی می هغه خپل جمیعتی ورور ولید او د کابل قصی می ورسره ګرمی کړی په خبرو خبروکی می ورته وویل : وګوره یاره ، ته خو همدلته وی او ښه دی ولیدل چی حکمتیار نه له غربیانو سره پخلا کیدونکی دی او نه له کمونستانو سره وګوره چی له غربی تنظیمونو لکه د ګیلانی تنظیم ، مجددی تنظیم او نورو سره څومره حساسیت لری اولا څوکاله مخکی یی د مجددیانو د کومی پیغلی عکس چی ریګان روغبړور سره کاوه په شهادت کی چاپ کړی و..

بیا راته وویل : لا ته نه پوهیږی او د خپلو احساساتو له مخی قضاوت کوی ... ما ورته وویل :

دا دوه کاله مخکی دی و نه لیدل چی له ریګان سره یی په امریکا کی ونه کتل - سره له دی چی ډیر فشار لاندی هم و خو دا کاریی ونکړ !

ملګری می بیا راته مسکی شو او خبره یی تیره کړه..

کلونه یو په بل پسی تیر شول .. مالیده چی د مجاهدینو له بریو سره سره ورځ په ورځ د حکمتیار صیب په دریځ کی بدلون راغی او هغه انقلابی حکمتیار پاتی نشو چی د نوم په اخیستلو سره به یی هم به هر چا سره جنګ وم ...

* اتحادونه یی یو به بل پسی رنګ کړل د ځان د اقتدار لپاره !

* له خلقیانو سره یی خبری اتری پیل کړ او د تنی په رهبری کودتایی تایید کړ ، د اقتدار لپاره

* د مجاهدینو د بری په وروستیو مرحلوکی یی دحزب اسلامی قوماندانانو تشکیل یی د مجاهدینو رهبری شوری ته وړاندی کړ چی همدغوی به په افغانستان کی حکومت جوړوی ، د اقتدا لپاره ! .

* حتی دایی وویل چی اردو (کمونست اردو) دی کودتا وکړی او حکومت مجاهدینوته وسپاری - دا هم د ځان د ټولواکی لپاره

* او د نجیب د ګوډاګی حکومت له ړنګیدو وروسته کله چی مجاهدینو د چارو واګی په لاس کی ونیول په داسی حال کی چی له ده سره هم درجن درجن دخلقیانو د رهبری کدر غړی موجود وو د کمونستانو د موجودیت په بهانه یی په کابل کی جنګ پیل کړ د اقتدار او د ځان د ټولواکی لپاره .

* د دوستم د وحشی ملیشو په پلمه چی هغوی د تیر رژیم کمونیست بقایا دی پر کابل یی دومره راکټونه وورول چی څلور زره کسان په کی ووژول شول دځان دټولواکی لپاره...

* او اوس د هماغه مجددی سره چی پرون یی د هغه ریاست جمهوری نه مانه اوویل به یی : له ښش سره به خبروته کینم خو مجددی سره به حاضر نشم چی خبری وکړم په یوکاسه کی ناست دی دځان د ټولواکی لپاره ..

* له هماغه رشید دوستم سره ګډ جنګی عملیات کوی او هغه هم پرملت باندی چی پرون یی د هغه د موجودیت په بهانه کابل یی په وینو کی ولمباوه د ځان د ټولواکی لپاره .

* د ډاکټر ګلزار په شان نور بی هویته لیکوالان یی د کمونستو ملیشو ستاینه کوی او زموږ مخور ، فاضل ، مجاهد او مومن مشران سکنځی او بد ورپسی وایی د ځان د ټولواکی لپاره...

* او په پای کی په هیڅ نه قانع کیدل او جنګ ته ادامه ورکول تر هغه چی د افغانستان ټول ژیده وګړی ووژل شی او دی ژوندی پا[illegible] شی د ځان د اقتدار لپاره .

اوس می د هغه جمعیتی ورور خبری ورځ په ورځ د حقیقت جامه آغوندی او دا را په ګوته کوی چی ربښتیا هم دا ټولی مندی ترړی او انقلابی توب د څه لپاره و ؟ خوماته دافسوس خبره داده چی زما هغه ورور اوس په دی دنیا کی نشته شهید شوی چی ورته می ویلی وای او په چیغو چیغو می ویلای وای ، نور وهم آوریدلی وای چی ها پرونی « انقلابی حکمتیار اوس زموږ لپاره ژوندی نه دی » -« هغه انقلابی اوله ایمانی ولولوډك روح اوس په دی دنیا کی نشته هسی تش کالبوت پاتی دی او په دی بی روحه کالبوت کی د رشید دوستم او غربی مجددیا نو او کیانی ملیشو خوښه چی کوم یو لوبی پری کوی موږ د یو انقلابی قاطع مجاهد امیر د سقوط او د هغه له تن نه د روح د جداکیدو په دی خواشینوونکی پیښه د تویولو لپاره اوښکی هم نه لرو هرځوك په دی دنیا کی خپل نوبت تیروی انجنیر حکمتیار ته به دغه شان غوره سکاره شوی وی... »

(په درښښت - کمپودر ګلچین)

دشهادت دروغبافی لمتد

شهادت در شمارهء روز یکشنبه ۲۹ حوت خویش به سلسلهء دروغبافی های سابق خبری را به نشر سپرده بود که گویا در ماجرای شهادت مرحوم حاجی گل نذیر انجنیر احمد شاه (احمدزی)معاون اتحاد اسلامی افغانستان دست داشته واین کار بدستوروی صورت گرفته است .

درین رابطه شهادت داستانی را جعل نموده که گویا دونفر بنام های خدران ومیری که افراد خاص انجنیر احمد شاه می باشند از یك هفته قبل در نزدیکی منزل حاجی گل نذیر گشت وگذار داشتند وبعدا به همکاری دونفر قاتل اجرتی وی را به شهادت رسانیده اند .

البته شهادت در شمارهء بعدی خود این خبر را تردید نموده و آنرا افواه و شایعهء خوانده که در کمپ پبی بگوش میرسید. در حالیکه قبلاً شهادت این خبر را (از قول یك منبع موثق و نزدیك به انجنیر احمد شاه) نقل کرده بود! واقعیت اینست که اکثر مطالبی که شهادت (ازقول منابع موثق) نقل میکند از تولیدات فابریکهء دروغبافی شهادت لمتد بوده است و جالب اینجاست که در همین شمارهء شهادت که در صفحهء اول آن دروغی چنین بزرگ به نشر رسیده در صفحهء سوم مقاله ئی در مذمت دروغ و دروغگوئی به نشر رسیده است که بی اختیار انسان را بیاد این سخن می اندازد که میگویند فلانی همه را پند میدهد ولی خودش از آن کار ها میکند!

و باز هم جالب اینکه در شمارهء سه شنبه (۲) حمل شهادت که در آن به دروغگوئی در شمارهء قبلی شهادت اعتراف شده است در قسمت اخیر خبری در رابطه به هرات در صفحه چهارم آمده است:

(خبرنگار شهادت و صعود نرخها شهریان هرات را در مضیقه قرار داده است)!!

بنظر ما مطلب باید چنین باشد که (دروغگوئی های منابع موثق شهادت نه تنها مردم بلکه خود (دشهادت دروغبافی لمتد) را نیز در مضیقه قرار داده است!!

لازم به تذکر است که هم انجنیر احمد شاه وهم دیدار از یك منطقه بوده ونه در گذشته ونه در شرایط فعلی هیچ نوع دشمنی بین فامیل های آنان وجود نداشته است هر چند شهادت با شیطنت خاص خود سعی کرده شهادت حاجی گل نذیررا به شهادت حاجی نذیر قوماندان اتحاد اسلامی ربط بدهد واز این طریق دشمنی میان این دوخانواده بوجود آورد ولی مسؤلیت شهادت حاجی نذیر مستقیما بدوش حکمتیار است وقاتلین حرفه یی قوم کوچی نیز در کنار حکمتیار قرار دارند .

البته درین مورد باید فامیل حاجی گل نذیر از شما جواب طلب باشند که درصورتیکه شما یك هفته قبل از جریان مطلع بوده حتی از جریان میوه فروشی قاتلین در جلو منزل وی نیز باخبر بوده اید پس چرا برای جلو گیری از این کار اقدام ننمودید ؟در صورتیکه بقول خود شما این گزارش را یکی از اشخاص نزدیك به انجنیر احمد شاه به شما داده است وقتی شما تا این حد به اسرار دیگران دسترسی دارید چرا مانع قتل نشدید ؟

وقتی ما در رابطه با این خبرشهادت با محترم انجنیر احمد شاه (احمد زی) معاون اتحاد اسلامی افغانستان در تماس شدیم وی گفت که آقای حکمتیار واطرافیان ایشان به تنظیم جنگی وبخاك وخون کشیدن مردم مظلوم افغانستان اکتفا نمیکنند واکنون درصدد انداختن خانواده ها بجان هم وشعله ورساختن آتش دشمنی میان فامیل ها بر آمده اند ، وی علاوه کرد کسانی را که شهادت از آنان بنام قاتل نام برده است هرگز نمی شناسم شهادت برای اینکه حجت خودرا قوی تر جلوه داده باشد این نامهارا جعل کرده است.

البته ما هم آرزو مندیم که حقایق هر چه زود تر روشن شود (تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد)

مأمور محمد خان داتحاد اسلامی افغانستان د بغلان دجهادی چارومسؤل او فعلاً دبغلان ولایت د۷۷۳ غونډ او ۲۰ فرقی قوماندان د اتحاد اسلامی جریدی سره په مرکه کی

پ: محترم مجاهد ورور لطفاً خپل ځان داتحاد اسلامی دجریدی لوستونکو اوعلاقمندانو لپاره په بشپړه توګه معرفی کړی ؟

ځ : زما نوم مأمور محمد خان داتحاد اسلامی افغانستان دجهادی چارومسؤل او فعلًا دبغلان ولایت د۷۷۳ غونډ او ۲۰ فرقی قوماندان

پ : لطفا بغلان ولایت د موجوده وضع په باره کی رڼا واچوی ؟

ځ : زموږ په ولایت کی نظامی وضع تقریبا د پخوا په شان ده هغه جبهه ګیری چه مونږ پخوا د کمونستانو سره درلودی اوس هم شته هغوی په پلخمری کی حاکمیت لری اوهلته ځانونه د ولایت وارثان ګڼی هلته پخوانی والی یعنی د نجیب والی اوس هم ځانته والی وائی خوشبختانه کومی ساحی چی د مجاهدینو په لاس کی دی هلته امنیتی وضع بالکل ښه ده او خلك په خاطر جمعی سره خپل کار روزګار کوی.

بدبختانه دحکومت او د تنظیمونو توجه زموږ ولایت ته قطعا نشته دلته دخلکو اقتصادی وضع بالکل خرابه ده.

پ: هغه مشکلات چی د پخوانی کمونستی رژیم د بقایا او ملیشو د موجودیت له کبله د بغلان خلك په خاصه توګه مجاهدین ورسره لاس په ګریوان دی تر کومی اندازی پوری جدی دی او ستاسو په نظر له دی مشکل نه به مجاهدین څنګه خپل ځان وژغوری ؟

ځ: لکه څنګه چی مخکی هم ورته اشاره وشو هغه مشکلات چی مونږ د کمونستانو او ملیشو سره پخوا درلود اوس هم په عین شکل شته هغوی اوس هم قدرت لری او دمجاهدینو دپلانونو دناکامولو په حصه کی دپخوانه اوس زیاد فعالیت کوی . زما په نظر تر څو چه ټول جهادی تنظیمونه او ټول مجاهدین دزړه له کومی سره متحد او متفق نشی دغه مشکل نه په بغلان او نه په افغانستان کی حل کیدی شی یواځی دایمان او اسلامی اخوت په برکت مونږکولای شو چه دغه خلك خلع سلاح کړو او دوحدت او اتفاق وعدم موجودیت په صورت دغه خلك په ډیر آسانی سره کولای شی چه خپل قدرت حفظ کړی او په مثال دلستونی دماراسلامی حکومت ته له داخل نه ضربه ورکړی .

پ- دبغلان په ولایت کی دجهادی تنظیمونوتر منځ همکاری ترکومی اندازی پوری وجود لری ؟

ځ- دخدای په فضل سره دبغلان په مرکز کی دمجاهدینو په منځکی وحدت شته دلته مختلف جهادی تنظیمونه متحدانه فعالیت لری او زموږجهادی شوری یوډیر ښه مثال ددغه فعالیت دی.

پ- آیا ستاسو په ولایت کی کوم واحد ولایتی تشکیل چه دمرکزی حکومت لخوا منظور شوی وی وجود لری ؟

ځ- دبغلان ولایت جهادی شوری یو ولایتی تشکیل مرکز ته لیږلی دی خومتأسفانه لاتر اوسه زمونږ دتشکیل دتأیید یا تردید نتیجه نده معلوم په داسی حال کی چی مونږ په دغه حساس شرایطو کی یو منظور شوی تشکیل ته اشد ضرورت لرو او تأیید ته یی سترګی په لاره یو . فعلا جهادی شوری دولایت ټول چاری په مخ بیایی .

پ - ستاسی دحوزی ارتباط مرکزی حکومت سره څنګه ده او آیا دحکومت لخوا تاسوته څه اقتصادی یا نظامی مرسته لیږی ؟

ځ- زمونږ ارتباط اسلامی حکومت سره کاملا حسنه دی خو متأسفانه لاتر اوسه دحکومت له خوا موږته کوم نوع اقتصادی یا نظامی مرسته نه ده شوی .

پ- آیا ستاسو مجاهدین دشیر خان بندر په فتح یا دهغه په ساتنه کی دکندزدولایت دمجاهدینو سره څه همکاری درلود یا لری ؟

ځ- شیر خان بندر دعملیات په وخت کی زه دبغلان دجهادی شوری له طرفه مؤظف شوم چه باید کندز ته لاړ شم او دکندز دولایت دجهادی شوری سره دکمك په باره کی خبری وکړم په نتیجه کی دکندز ولایت جهادی شوری زموږ په غاړه دا مسؤلیت واچاوه چه باید موږ په خپل ولایت کی دفاعی سنګرونه کلك کړو چی د دوستم ملیشی یا کیانیان زمونږ دولایت له لاری په کندز باندی عملیات ونه کړی . او موږ خپله دا وظیفه په وجه احسن تر سره کړه .

پ- لکه څنګه چه تاسی خبر یاستی مرکزی حکومت په دوه متخاصم او متضاد ډلو ویشل شوی دی ستاسو په نظر دغسی یو حکومت کولای شی چی دافغانستان دمجاهد ولس مشکلات حل کړی که نشی کولای نو دحل لاره څه ده ؟

ځ- زما په نظر په مرکزی حکومت کی څه عقیدوی یا بنیادی اختلاف نشته دا فقط یو شخصی اختلاف دحکمتیار او مسعود په منځکی ده که چیری دغه دوه کسان چه فعلا دوه عمده قوتونه دوی سره دی په یو بل باندی اعتماد وکړی او خپل منافع ته دافغانستان په نسبت ترجیح ورنه کړی او خپل اختلاف دمسالمت آمیز لاری په واسطه حل کړی نو انشا . الله مشکل به ډیر ژر حل کیدی شی که چیری داسی ونه شی نو شاید دغه اختلاف او کشمکش ډیر اورد شی او په نتیجه کی داسلام او افغانستان دوښمنانو په ګټه تمام شی

پ -آیا دبغلان مجاهدین دتاجکی مجاهدینوسره همکاری او همدردی لری؟

ځ- په موږ باندی فرض دی چه دغه ورونو سره هغه چار چلند وکړو کوم چه انصار مدینه دمهاجرین مکه سره کړی وه پدغه باره کی په دومره

(۱۰)مخ

دا پښتونستان زمونږ! دا پښتونستان زمونږ!

هلته پولاوو نه دی دلته سکرکان زموږ:

بی ننګه یوسفزی

دقدرت کرشموته وګوری چی دمجاهدینو خپل منځی اختلافات داسلام او افغانستان ددښمنانو لپاره دومره چانس په لاس ورکړی چی دبی ننګه یوسفزی په شان فاجر اوفاسق وګړی هم داستاد سیاف پرمنلی اومومن مجاهد شخصیت باندی ناځوانمردانه بریدونه کوی ... بی ننګه یوسفزی په دی کار کی حق په جانب هم ځکه دی چی باید له ټولو مجاهدینو سره په عمومی ډول اوزموږ له مشرانو سره په خصوصی توګه په زړهٔ کی نفرت ، حسد او کینه ولری ، چی هغه لاتر اوسه پوری په پاکستان کی دجهاد ضد وحلقو او سیکولرو مرتدو عناصرو سره چی پخوایی دپښتونستان چیغی وهلی او غوښتل یی په دی شعار باندی ددی دوو مسلمانو ملتونو په منځ کی دنفرت تخم وشنیدی ، غړیتوب لری (پوځ افغان ملتی دی) حزب اسلامی سره له دی چی داصیل اسلام دپلی کولو دعوی کوی ، ولی داسی عناصروته موقع ورکوی چی زموږ پرمشرانو حمله وکړی ، ملامت ځکه نه دی چی دابه یی هم د دوستم وروړګنلی وی او کار به یی تری آخیستی وی .

بل داچی بی ننګه یوسفزی دهما و مفت خورو، عیاشو اوبی ننګو اشرافیانو څخه دی چی دفاسد ظاهرشاه په څنګ کی دهغه دفاسدی کورنی درنګینو شپو، شراب ، شباب او کباب ملګری پاتی شوی ، په داسی حال کی چی حزب اسلامی دظاهر شاه سیوری په سکر ٤٠ ولی ، نوبیا ولی په خپل شهادت کی په دغسی بی دینو عناصر درواغ شهادتوته چاپوی ، ګرم ځکه ځان نه بولی چی دا به یی هم درشیددوستم ګوداګی بللی وی ...

په هر حال که موږ په خپلو کی هر څه یو او هر څه یو بل ته وایو ، دابیله خبره ده که خدای کول په ډیرونیز دیو کی به ټول مسلمان قوتونه سره یو موتی شی ټول کدورتونه او فاصلی له منځه ولاړی شی اودافغانستان مؤمن ملت خپل جهادی مومن مشران داسلامی توغ تر سیوری لاندی دخپل روښان مستقبل په هیله بدرګه کوی ... مګر دبی ننګه یوسفزی بی ځای ، مغرضانه او شیطانی توورونه .. ته بنایی دیو اسلامی تنظیم له ارګان څخه نشر شی او خبروته یی دومره اعتبار ورکړای شی چی دداغ خبر په توګه یی خپورکړی .. . خو په اوسنی شرایطو کی دشهادت ځینی مزدور بداخلاقه او بی ضمیره لیکوالان چی تر هرڅه دمخه راشنفکران دی نه مومن روښانفکران دومره دراشن فکر په سراخیستی چه کله موږ د دوستم پرضد څه لیکو دوی خپل هرڅه بایلی او په خپلهٔ نشریه کی دلیونیانو په شان عمل کوی ، نو ځکه دوی داحق ځان ته ورکوی چی دبی ننګه یوسفزی خبری هم دحربی په توګه زموږ دمشرانو په جرحی باندی په کار یوسی خودا کارددی په عوض چی د دوی مورال لوړ پوځی لابی ملت او انقلاب ته سپك معرفی کوی .

مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند !

شهادت ارگان دشنام پراگنی حزب اسلامی در شماره، یکشنبه ٢٩ حوت خویش زیر سرخط (خوارۀ ترخه) مطلبی را تحت عنوان (مرحوم استاد سیاف) به نشر سپرده است درین نوشته نویسنده تلاش بی حاصل برای چسپانیدن خاك خشك بدیوار داشته وآزادی استاد سیاف از زندان دژخیمان کمونیست در کابل را موردسوال قرار داده است .

ما قبل از اینکه به مطالب متن آن نوشته بپردازیم از عنوان آغاز میکنیم که تناقض آشکار عنوان بامتن آشکار گردد.

کلمهء مرحوم که نویسنده در مورد استاد سیاف بکار برده است معنی آن (مورد رحمت قرارگرفته شده) است وقتی در مورد شخصی کلمهء مرحوم بکار گرفته میشود چه آن شخص در قید حیات باشد ویااز دیار فانی به دار باقی شتافته باشد معنی آن دعای خیری در حق آن شخص نیز هست یعنی اینکه شخص مذکور مورد رحمت خداوندی قرار گرفته است . آقای (داکتر گلزار) نویسنده ءآن مطلب فقط به معنی مجازی وعامیانهء کلمهء مرحوم نظر داشته وآنقدر بصیرت نداشته اند تا طلب رحمت از خداوند (ج) را بعنوان دشنام بکار نگیرند . البته برای ما این نکته به هیچ صورت تعجب آور نیست که چگونه شخصی که درجهء دکتورا هم دارد مرتکب چنین خطا می شود زیرا از قضای روزگار تعدادی داکتر وانجنیر (از صنف دو گریخته) در آنجا همه کاره اند وگناه وخطای زورآوران در آنجا صواب تلقی میگردد .

لب ولباب این نوشته در طرح این سوال خلاصه می شود که چرا استاد سیاف از زندان کمونیست ها آزاد شد در حالیکه سایر اعضای نهضت اسلامی به شهادت رسیدند . بعبارت دیگر نویسنده میخواهد بگوید که استاد سیاف را کمونیست ها طبق یك برنامه وپلان آزاد کردند . داکتر صاحب برای بخشیدن قوت به این اتهام پای یك جمعیتی را هم به میدان کشیده وخواسته اند بفهمانند که این اتهام نخست ازطرف بعضی عناصر در جمعیت در مورد استاد سیاف عنوان شده است . شاید این حرف ایشان درست باشد ما نمی گوئیم موجودیت اشخاص سطحی نگروتنگ نظر که وجود عقده آنانرا ظنین وبی اعتماد بر همه بار آورده است تنها منحصر به حزب اسلامی است اما کسانیکه چنین شك وشبهه را ابراز میدارند به این باور اند که کمونیست ها هر کاری را طبق برنامه وپلان انجام میداده اند واز هر نوع خطاواشتباه در امان بوده اند اگر نویسندهء این سطور هم همانند داکتر گلزار کمونیست هاوسازمان جاسوسی K.G.B را خطا ناپذیر بداند در آن صورت موارد متعددی وجود دارد که به استناد آن میتوآن گفت بسیاری از اشخاص طراز اول حزب اسلامی وابسته به K.G.B اند.

در دوران حضور قوای روسی در افغانستان وهنگامیکه اتحاد شوروی مستقیما در گیر جنگ با مجاهدین افغانستان بودمقامات بالارتبه حزب اسلامی در سفر به اروپا از خط پروازی استفاده کردند که در مسکو توقف داشت. مسافرین طیارهء مسافربری که در میدان های هوایی شوروی بشکل ترانزیت نیز بر زمین می نشستند مورد شناسائی قرارمیگرفتند ومسؤلین K.G.B تنها به خواندن لیست مسافران اکتفا نمی کردند بلکه یك افسر K.G.B داخل طیاره می شد وچهره های مسافران را نیز از نظر می گذرانید ودر صورت لزوم در مورد هویت ومقصد سفر از مسافر سوال میکردند ودر صورتیکه در مورد شخصی این سوء ظن بوجود می آمد که او در فعالیت های ضد شوروی دست دارد اورا دستگیر میکردند پولیس شوروی شاید تنها پولیس در جهان بود که به خود چنین حق را میداد تا طیارات مسافر بری کشور های دیگر را مورد بازرسی قراردهد ، ولی برادران عالیرتبه در حزب اسلامی نگرانی از این بابت نداشتند .

در یك مورد رئیس امورسیاسی حزب اسلامی برای رفتن به لندن از مسیر ماسکو استفاده کرد در میدان هوائی ماسکو وی از طیاره پیاده شد ، پاسپورت وی مهر ترانزیت میدان هوائی ماسکو خورد . وقتی جناب رئیس به خیر وعافیت به لندن رسید مقامات امنیتی انگلستان از اینکه یك مقام بالارتبهء مجاهدین که چهرهء شناخته شده یی هم هست در ماسکو از طیاره پیاده میشود وK.G.B با وی کاری ندارد اظهار حیرت وشگفتی نموده واز دادن ویزهء انگلستان به وی خودداری کردند سر انجام با وساطت وتلاش نمایندهء حزب در لندن فقط سه روز به آن جناب اجازهء اقامت در لندن دادند وبصراحت گفتند که این شخص از نظر ما مشکوك است . یکی دیگر از همه کاره های حزب که او نیز از همین مسیر به اروپا سفرکرده بود برای اینکه بزعم خودش علت دستگیر نشد ن خوددر ماسکو را توجیه نموده باشد به یکی از برادران گفته بود که وقتی افسر K G.B وارد طیاره شد من کلاه پکول خود را روی سیت طیاره نهاده وروی آن نشستم تا او متوجه نشود که من مجاهد افغانم ! برادر مذکور به شوخی پرسید : ریشت را چگونه پنهان کردی ؟ حتما آنرا هم زیر کلاهت نهادی!! ص(١١)

تکمیل گفته ها

رشید دوستم (سردسته ملیشه های کافر) :

« تا وقتیکه ربانی استعفا نکرده و زمام حکومت را به یك شورای ملی نسپرده است ، به جنگ ادامه می دهیم»

اگر چه در اثر ضربات مجاهدین کفر شکن اسلام دیگرتوان جنگ به ما نمانده است ولی برای آنکه ملیشه ها و کمونستهای باقی مانده از رژیم کمونست که یگانه مرجع امید شان ما هستیم ، روحیهء خودرا بکلی از دست ندهند و از ترس ووحشت زیاد سکته نکنند ، لاف می زنیم که چنین و چنان می کنیم اما باور کنید مشتی زده و به لگدی گیر مانده ایم وراه فرار می پالیم!

« شیر خان بندر و همهء کندز تحت کنترول شورای هماهنگی است و قوماندان حزب به صفت والی ایفای وظیفه می کند » و این خوابی است که ما دیده بودیم ولی به استثنای چند روزی که کندز را چور و چپاول کردیم این خواب ما تعبیر نشد و تا قیامت تعبیر نخواهد شد و اما قوماندان حزب ، بلی ! والی کندز است اما در مزار به نزد ما بسر می برد و توسط لودسپیکر به کندز فرمان می دهد و در آنجا ولایت می کند !

« در مناطق شمالی کاملا امنیت ... و ظالمان و ستمگران مورد باز پرس قرار می گیرند و به ایشان جزا د... میشود »

آری!

... شمال از طرف مردم مظلوم و تحت ... هیچگونه خطری متوجهء ما ... وما درامنیت کامل بسر می بریم زیرا ما آنقدر آنهارا وحشتزده ساخته ایم که در برابر هر جنایت ما از قبیل چور، چپاول ، دزدی ، غارت اموال مردم ، اختطاف دختران و زنان و پسران مردم و هزار ها جرم وجنایت دیگرما خاموش می مانند و نمی توانند چیزی بگویند ، اگر چه این خاموشی ، خاموشی قبل از طوفان است .

بلی ! از ناحیهء مردم فعلا و ظاهرا خطری متوجهء مانیست لیکن داد از دست مجاهدین که دست شان به گلوی ما رسیده و فکرمی کنیم مرگ ما به دست ایشان حتمی است !

گفتیم ما ظالمان و ستمگران را جزا می دهیم ، آری ! همان ظالمان و ستمگرانی را که مخالف ظلم و ستم و چور وچپاول و دزدی و جرائم بیحد وحصر ما هستند !

« من با زعیم حزب انجنیر حکمتیار نه در گذشته اختلاف داشتم ونه اکنون دارم »

بلکه اختلاف من همیشه با ملت بوده است که گاهی در پهلوی این و گاهی در پهلوی آن قرار گرفته و ملت را قتل عام کرده ام و این سلسله از زمانی که در خدمت رژیم کمونستی نجیب قرار گرفتم تا اکنون و تا وقتیکه ریشهء من بکلی از افغانستان کنده شود ، ادامه دارد !!

اسلام کریموف (دکتاتور کمونست ازبکستان)

« سیاست خارجی پاکستان ناکام شده است »

وسیاست خارجی ماکه همان سیاست تجاوز گری و توسعه طلبی آقای جهنمی ما بریژنف است ، ناکام تر ص(١١)

مأمور محمد خان داتحاد اسلامی افغانستان د بغلان...

توضیح اکتفا کوم چه زمونږ مجاهد قوماندانان خپل دلاس وسلی چه خپله ورته اشد ضرورت هم درلود تاجکی مجاهدینو سره نیمائی کړی دی او په آینده کی هم دغسی قربانی ته حاضر دی .

پ - په بغلان کی دامنیت وضع څنګه ده او آیا ترانسپورتی کاروانونه په آزاده توګه له لویی لاری څخه تیریدی شی ؟

ځ- دخدای په فضل سره زمونږ په ولایت کی دامنیت وضع ډیره ښه ده تجارتی کاروانونه بدون دمزاحمت دلویی لاری څخه شپی ورځ تیریږی خو متأسفانه هغه ځایونه چه دملیشو په لاس کی دی هلته قطعا امنیت نشته هلته چور او چپاول شته یا به بل عبارت باید ووایم هلته چه پخوانی کمونستان حاکم دی وضع عینا داسی ده لکه پخوا چه وه .

پ - ستاسو په ولایت کی دزراعت وضع څنګه دی او آیا دحکومت لخوابزګرانوسره همکاری کیږی که څنګه؟

ځ - زمونږ په ولایت کی دزراعت وضع څکه قناعتبخش ندی چه بزګرانو سره قطعا دحکومت یا دخیریه مؤسسو کمك نه ده شوی او کوم مؤسسو چه دبغلان په نامه کمك کوی هغوی اکثرا دکیان په مناطقوته لیږی اودټول ولایت په نامه یی خلاصه کوی.

پ - ستاسو په ولایت کی یو ډیر مهم فابریکه چه هغه شرکت قند بغلان دی وجود لری او دغه شرکت دپخوانی کمونستی رژیم په دوره کی کاملا غیر فعال وه آیا دبغلان ولایت جهادی شوری ددغه فابریکي دبیا فعال کولو په برخه کی څه پلان لری ؟

ځ - متاسفانه دغه شرکت اوس هم غیر فعال دی خو زمونږجهادی شوری ډیر کوشش کوی چه دغه فابریکه بیرته فعال کړی پدغه باره کی مونږ لازمی پیشنهادات دشرکت دبیرته فعالیدو او دلبلبو دزرعي په باره کی چه شامل دلبلبو تخم ، دکیماوی سری او یو مقدار لازمی مرستی پیسی بزګرانو سره چه دتقاوی په نامه دی مرکز ته لیږلی دی او مونږ اوس دهغوی ځواب ته سترګی په لاره یو که چیری ځواب مثبت وی انشا ءالله په آینده کال کی دا شرکت په فعالیت پیل کړی .

پ - ستاسی په ولایت کی دتعلیم او تربیی وضع څنګه ده ؟

ځ - ټول مکاتب فعال دی او دښوونځي په باره کی باید ووایم چه قسما دوزارت معارف قسما دخیریه مؤسسو او قسما دولایتی عایداتو له لاری دهغوی مشکلات حلیږی .

پ- آیا په بغلان کی حزب وحدت اسلامی وجود لری او که چیری وجودولری ستاسو دتنظیم مجاهدین هغوی سره څنګه برخوردلری ؟

ځ : زمونږ په ولایت کی حزب وحدت شته خو متاسفانه هغوی د کیان سره چه زمونږ دښمن دی کلك ائتلاف لری او حتی کیان هغوی په خپل مناطقو کی ځای په ځای کړی دی او د هغوی بر خورد زمونږ سره همغسی دی لکه چی کیان لری .

پ- دوروستیو جریاناتو خاصتا په کابل او شمالی ولایاتو کی دملیشو او حزب اسلامی دګډو تحرکاتو په اړه چی دمجاهدینو دله مینځه وړلو په خاطر پیل کړی څه نظر لری ؟

ځ- مونږ دبغلان په ولایت کی تل دملیشو سره په جګړه کی یو په دی برخه کی تقریباً دبغلان ولایت دټولو جهادی تنظیمونو ترمنځ دنظر یووالی موجود دی چی ملیشی زمونږ دښمنان دی او هیڅکله به دمجاهدینو سره ملګری نشی، داسلامی حکومت تر جوړیدو وروسته نادری ملیشو څوځلی زمونږ پرمورچوحملی کړی خومجاهدینو په ګډه دهغوی حملی په شاوټمبولی او درانه تلفات یی هغوی ته ورواړول ، همدا اوس هم دمجاهدینو سیمی دملیشو له خطر څخه په امن کی نه دی خو دبغلان اکثر مجاهدین په هرحالت کی دخپلو مورچو څخه دفاع ته چمتو دی دملیشو او دولت په دی وروستی جګړه کي دبغلان مجاهدینو ملیشو ته اجازه ورنکړه چی دبغلان له لاری کندز باندی یرغل وکړی ، ملیشی پوهیدل چی دبغلان له لاری ددوی یرغل امکان نلری ځکه یی دبلی لاری پرکندز باندی حمله وکړه . خو باید په دی اعتراف وکړم چی ځنی مشکلات منځ ته راغی او مونږ ونشو کولای چی عملاً د قندز په جنګ کي د ملیشو پر ضد سهم واخلو ځکه چی بغلان هم د ملیشو تر تهدید لاندی وو.

تکمیــل گفتــه ...

شده است زیرا با وجود وصول بریزنف به جهنم و سرنگونی اتحاد شوروی در اثر جهاد ملت قهرمان افغان ، ما بازهم سیاست اورا ادامه داده و در افغانستان مداخله می کنیم و با شکست پیاپی مزدور خویش دوستم روز تا روز رسوا تر و شرمنده تر و روسیاه تر می شویم آیا بیش ترازین ناکامی وجود دارد ؟!

« حکومت بی نظیر در آوردن امنیت به افغانستان و ترمیم سرکهای آنکشور ناکام شده است »

لیکن ما با تحریك اجیر خود دوستم وملیشه هایش به جنگ افروزی وکشتار مردم و تخریب خانه ها و سرکها و اموال و املاك دولتی افغانستان ، این ناکامی حکومت پاکستان را جبران کرده ایم و مردم افغانستان باید ممنون احسان ما باشند که طیاره های ما به خانه ها و کاشانه های ایشان مرگ و نابودی وخرابی وویرانی می ریزد !!

مجددی (رهبر جبهه‌ء نجات ملی)

« ربانی کابل را سوزانده و او مسئوول تباهی فعلی است لذا دورکردن وی از کرسی قدرت ضروری است »

اگر چه آتش کابل را ستر جنرال عبدالرشید دوستم دوست و رفیق بنده مشتعل ساخته وما که جزیف چیزی نداریم آنرا پف می کنیم ، ولی چون بودن ربانی برسر قدرت مانع آن می شود که ما سوار بر شانه‌ء دوستم و یاران کمونستش به کرسی پاد شاهی دوباره جلوس فرمائیم ، لذا مسئوول اورا می دانیم و اگر امروز ربانی حاضر شودکه کرسی را بما بگذارد و حکمتیار و دوستم مخالفت کنند ، فورا حرف خودرا تغییر می دهیم و حکمتیار و دوستم را مسئوول تباهی کابل قلمداد می نمائیم ، مهم سوختن وویرانی کابل نیست ، مهم اینست که ربانی با نسپردن قدرت به ما در دل وجگر ما آتش زده است ، پس او باید از قدرت کنار برود !!

« اگر چه جنگ کردن علیه حکومت غیر قانونی ربانی ضروری است ، ولی ما به این کار دست نمی زنیم »

زیرا جنگ کردن جبهه و نفر واسلحه لازم دارد که ما نداریم و ازاین همه تنها نام جبهه را داریم و بس ، لذا اگر ازجنگ نکردن علیه حکومت ربانی حرف می زنم فکر نکنید که ما جنگ را دوست نداریم ، بلکه وسائل آنرا نداریم ، لیکن خیر ... اگرخود ما نمی جنگیم ، دوستان ملیشه‌ء ما میجنگند و مردم بیگناه کابل را با راکت های خود به خاك و خون می کشند وهمین برای ما کافیست !!

شیر می غرند چون وا میرسی...

بعداز سرنگونی رژیم نجیب ، استعمار گران و محافل استکباری لندن و واشنگتن و ماسکو قوای ملیشه را که باگرد آوردن همه‌ء کمونستهای روسی و چینی و خلقی و پرچمی و ستمی و شعله یی و ... به اطراف خویش مزار شریف را بحیث مرکز تجمع خودانتخاب کرده و با تسلط بر قسمتی ازاسلحه ومهمات باقیمانده از رژیم و با بهره مندی ازکمکهای نظامی و مالی رژیم کمونست ازبکستان ، تشکل مستقلی برای خود ساخته بودند ، بصفت بزرگترین و نیرومند ترین قوه‌ء نظامی موجود درافغانستان معرفی کردند و روز و شب برای بزرگ ساختن این گروهك الحادی باقیمانده از رژیم ملحد تبلیغات و پروپاگند نمودند .

برای بزرگ سازی ونیرومند جلوه دادن هر چه بیشتر دوستم هیئت ها و رجال برجسته‌ء سیاسی کشور های غربی و دولتهای کمونست آسیای میانه بدون اذن حکومت مرکزی افغانستان به مناطق تحت کنترول ملیشه ها بار بار سفر کردند واز رهبر جنایتکار ملیشه ها نیز بار بار دعوت بعمل آوردندکه از کشورهای ایشان باز دید بعمل آورد .

بوق وکرنای تبلیغاتی کفار مدتی از تجزیه‌ء شمال کشور توسط دوستم حرف زدند و اینکه وی توانایی آنرا دارد که در صورت پذیرفته نشدن خواسته هایش از طرف مجاهدین ، شمال افغانستان را از پیکر این کشور جدا سازد و حکومت مستقلی را که خود رئیس آن می باشد ، بنیاد نهد ، زیرا او بزرگترین نیروی نظامی و با تجربه ترین جنگجویان را در اختیار دارد و مجاهدین نمیتوانند در برابر چنین اقدامی از جانب وی مقاومت نشان دهند !

و مدتی هم با نادیده گرفتن جهاد فخر آفرین چهارده ساله‌ء مجاهدین قهرمان ما ، بغاوت دوستم رایگانه عامل سرنگونی حکومت نجیب قلمداد کردند و خود دوستم نیز بار ها لاف زد که ما حکومت نجیب را سرنگون کردیم درحالیکه مجاهدین نتوانسته بودند در ظرف چهارده سال حتی یك ولسوالی را تصرف نمایند !!

در حالیکه آزادی نود در صد خاك افغانستان که در ظرف چهارده سال با مقاومت قهرمانانه‌ء ملت مجاهد ما آزاد شده بود ، و سرنگونی اتحاد شوروی عاملی جز رشادت ها و دلاوری های مجاهدین نداشت تا چه رسد به حکومت پوشالی نجیب که با وجود دسائس وتوطئه های بیحد وحصر محافل استکباری و علی الرغم به درازا کشیدن حالت نزع آن ،مرگ و نابودی اش دراثر ضربات پیگیر و کشنده‌ء مجاهدین حتمی بنظر می رسید !

تبلیغات زهر آگین غربیها و سائر دشمنان اسلام وکمونستها وکفار داخلی این ذهنیت را در نزد بسیاری از مردم تقویت بخشیده بود که دوستم یگانه نیروی موثر و فیصله کن در تغییر و تبدیل حکومتها و نظامهاست و دوستم در پهلوی هرگروهی از مجاهدین که بایستد ، همان گروه برنده است و میتواند سائر گروه ها را شکست داده و براریکه‌ء قدرت برای همیشه متمکن گردد !!

اینهمه تبلیغات به نفع دوستم از طرف محافل استکباری و رادیو های صلیبی و صهیونستی برای آن بودکه از دوستم در اذهان مردم دژ تسخیر ناپذیری بسازند و بدینگونه به اصطلاح با یك تیر دوفاخته را شکارنمایند ، یکی اینکه کمونستهای باقیمانده از رژیم را که قبله‌ء خودرا از ماسکو به سوی واشنگتن تغییر داده بودند ، تسلی بدهند که مایوس و دهشتزده نباشید ، نیرویی هست که از شما حمایت می کند و از خشم و انتقام ملت نجات تان می دهد و حتی شمارا در حکومت آینده سهیم می سازد و دو دیگر اینکه به تنظیم های جهادی بفهمانند که تاسیس واقامه‌ء حکومت خالص اسلامی درافغانستان ممکن نیست زیرا دوستم بصفت بزرگترین نیروی نظامی درافغانستان تبارزکرده است و همه‌ء کمونستها و کفاری که مخالف اسلام وحکومت اسلامی هستند در زیر پرچم او گرد آمده اند و مجاهدین مجبور اند برای او در حکومت سهم بدهند لذا حکومت آینده باید حکومت مختلط و ائتلافی باشد نه اسلامی وجهادی !

بدبختانه مردم ما فریب این نیرنگهای استعمار راخورده واین پروپاگند هارا پذیرفته و این باور را بصفت یك حقیقت انکار ناپذیر قبول کرده بودند و حتی برخی از مجاهدین نیز دوستم و ملیشه هایش را غیر قابل تسخیر می پنداشتند ، ولی کودتای ۱۱ جدی و شکست های پیاپی و رسواکننده یی که درکابل و در شمال بخصوص درین روز های اخیر نصیب ملیشه های دوستم شد ، معادلاتی را که دراثر اندیشه ها وتوهمات قائم شده بود برهم زد و به مردم ثابت گردید که ملیشه کمونستهای دوستم : شیر می غرند چون وامی رسی بزغاله اند !

آری ! دوستمی ها و کمونستهایی که به اطراف ودر زیر پرچم این ملحد بی ایمان گرد آمده اند ، از آنجائیکه ایمان ندارند بزدل ترین ، جبون ترین و بی غیرت ترین مردم هستند و همانگونه که نتوانستند در مدت چهارده سال و بالاخص شش سال اخیر که دوستم و ملیشه های جنایتکار اش باکمال قساوت ووحشت مردم بیگناه را قتل عام میکردند ، از سرنگونی کمونزم جلوگیری کنند ، ازین پس نیز نخواهند توانست با وجود دسائس ومداخلات کفار خارجی از جمله اسلام کریموف ، دوباره کمونزم را بر سر قدرت برسانند و یا در برابر جهاد سپاهیان اسلام مقاومت نمایند و انشاء الله آنروز دور نیست که این خس و خاشاك باقیمانده از سیلاب سرخ کمونزم نیز در آتش خشم ملت مؤمن ما بسوزد و کشوراز لوث وجود کفر و کمونزم بکلی پاك گردد .

وماذلك علی الله بعزیز

د سرمقالی پاتي

چی ولس او خلك یی درمضان په میاشت کی هم له اندیښنوسره روژه درلوده اواخترکی هم له زرگونو مصیبتونوسره روژه دی .

برسیره پردی چی پرهغوی - دهغوی پرکورونو اوبچوړودگولیو ، راکټونو ، بمونو اومصیبتونو ژلی وریږی دخپلو تللیو عزیزانو په ماتم کی ناست دی چی ځینی یی لاتدفین شوی هم نه دی او یا بیخی تری تم دی - دقحط ، لوږی اونوروومصیبتونو سترتوپان او توری لوخړی هم ددوی پرسر دمرگ په شان سیوری کړی .. داسلامی انقلاب دعویداران او دانقلابی اسلام دپلی کولو مدعیان لا په دی مصیبت کی زیاتوالی راولی او له کمونستانو سره اوږه په اوږه دکابل دښاریانو په مصیبتونو کی زیاتوالی راولی،دجنگ اورته لمن وهی ، دامدادی خوراکی موادو قافلی نموی .. له بدونه ډیر بدیی لاداچی په ډیری خواشینی سره آوروچی په دی مبارکو ورځو کی دملگروملتوسازمان دغذایی موادو دویشلوپروخت په داسی حال کی چی لوږی پسی اخیستی وحشت وهلی دکابل ښاریان دښارله هری گوښی نه دامداد دترلاسه کولو لپاره تاکلی سیمی ته ځان رسوی او هلته دخلکوښه بهیرشته - زموږدخلکو دامن او سوکالی دښمنان په دغسی حالاتو کی هم دخلکو پرتولنو باندی راکټونه او بمونه ورروی .... د ډاکواچولو ، ترور ، اختطاف ، غلا او دمسلمانانو پرنوامیسو باندی دحملو لړی په ډیربی رحمی سره جریان لری او زموږ دقام ځینی باتوره واکمنان اوس هم دجنگ دسرولمبو دلاژیغزاند کیدو په تمه دخیر پر غونډی ناست دی او تماشی کوی چی : « ته ودریږه چی په دی ملت کی نورخومره دسوځیدلوتوان شته !!!»

راځی چی ددی ویر جن اختر په راتگ سره پر خپلو کړو وړوتجدید نظرو کړو ، تول په یو،واز دوحدت ، ورورولی ، زړه سواندی ، پیرزوینی او په تولیزه کی ددی ملت او په خاصه توگه دکابل دمحصوروښاریانو پر حال اوښکی وبهوو او دهغوی ستونځوته درسیدلو لپاره خدای جل جلاله ته رجوع وکړو - هغه ډیرسترذات دی - آن کیدلای شی چی دهغه په مرحمت سره - کاږه اومنحرف زړونه هم سم شی اوپرځان اوخپل ولس باندی زړه وسوځوی اولړترلړه داختر په مبارکو شپو ورځو کی دخلکو له اذیت نه لاس واخلی اویا همدغه مبارك اختر دراتلونکی لپاره دسولی ، امن ورورگلوی اویووالی پیلامه شی اوزموږ مسلمان ، مجاهد او غم ځپلی ملت داخوت ترړپانده توغ لاندی دامنیت اوسو کالی خوندونه احساس کړی -

دهغه سباوون په انتظار چی سترگی موپسی لیوال دی ..

دسولی اوامنیت سباوون ...

دورور وژنو دپای ته رسیدوسباوون ....

ددی ملت دمصیبتونو دانجام سباوون ...

په ویر لړلی افغانستان کی داسلام د دښمنانو دکاملی تصفیی سباوون ... او په پای کی زموږ دهیلو اوبریو دپرتمونو سباوون ...

(اوداکار الله جل جلاله ته گران کارنه دی)

مرده آنست که نامش..

از آنجا که در طول کمتر از یکسال بسیاری از منصبداران عالیرتبه‌ء حزب که در آن جمله غیر از مسؤل امور سیاسی دوتن از اقارب شخص امیر حزب نیز شامل اند از این مسیر سفر کرده ولی بدون خطر به اروپای غربی رسیدند این سوال مطرح میشود که چگونه K.G.B کاری به آنها نداشته است . شاید یك استدلال این باشد که K.G.B آنهارا نشناخته بود . این استدلال از آنجا ضعیف به نظر می رسد که کله وپاچه‌ء بعضی ازاین آقایان را تلویزیون های اروپا ضمن مصاحبه ها با آنان بارها به نمایش گذاشته بود واگر باوجود این مطلب در میدان هوایی ماسکو خطری متوجه‌ء این آقایان نبوده است میتواند ناشی از دودلیل باشد :

۱ - K.G.B آنها را می شناخته ولی (عنصر نامطلوب) و(منشأ خطر) به شمار نمی آورده است .

۲ - K.G.B اشتباهاً آنان را نشناخته وبه همین علت آنان را دستگیر نکرده است برادران حزب شاید دلیل دوم را ارائه کنند ولی وقتی درمورد منصبداران حزب اسلامی و شناخت آنان K.G.B بار بار مرتکب اشتباه میشود چرا درمورد دیگران حتی یکبار اشتباه را نامحتمل شمرده بر آنان اتهام های ناروا می بندند ؟

وارد آوردن چنین اتهامات از طرف عناصر مجهول الهویه در حزب ناشی از این عقیده‌ء سخیف است که هر کسی که در کنار ماست مسلمان ومجاهد است حتی اگر این شخص (حاجی دوستم) باشد ولی اگر کسی حرف حق بگوید وبر اصول پافشاری کند باید بر ضدش از هر حربه‌ء تبلیغاتی نارواستفاده شود حتی اگر این شخص از رهبران نامدارجهادی نیز باشد .

درپایان سخن باز میگردیم بر سر حرف اول که رحمت خداوندی فقط اخیار را شامل میشود واشراراز این نعمت محروم اند . وقتی کسی مورد رحمت خداوند قرارگیرد هرگزنمی میرد بقول سعدی .

سعدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز
مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند

در حاشیه‌ء خبر ها

شکست های پیهم شورای همآهنگی

فعالیت های مسلحانه‌ء ملیشه ها با دستیاری حزب اسلامی که با اشغال قندز به نقطه‌ء اوج خود رسیده بود پس از اشغال مجدد قندز بوسیله‌ء مجاهدین سیر نزولی بخود گرفت واین نیروها که برخودنام شورای همآهنگی نهاده اند در سمت شمال با شکست های پی در پی در برابر مجاهدین مواجه گردیدند نیروهای دولتی با حمله به سالنگ شمالی منطقه‌ء وسیعی از تونل تا به شهر دوشی را از نیروهای مخالف پاکسازی کردند و پیشروی بسوی شهر بسیار مهم پلخمری که محل تقاطع شاهراه های مواصلاتی کندز ومزار شریف به کابل است ادامه دارد . درین منطقه نیروهای کیان که از ملیشه های بدنام باز مانده از رژیم منفور کمونستی است تحت ضربات پیهم مجاهدین قرار دارد .

در گذشته ملیشه های تحت رهبری نادری تلاش بسیار برای بسط دایره‌ء نفوذ خویش در سایر نقاط ولایت بغلان داشتند ولی در برابر مجاهدین به موفقیتی دست نیافتند مجاهدین بغلان عرصه را بر نیروهای نادری تنگ کردند و او به نا چار از متحد خویش دوستم کمك خواست البته در آن موقع دوستم با فرستادن نیرو به پلخمری موقعیت نادری را تحکیم بخشید اما در شرایط فعلی که دوستم خود به مشکل کمبود نیرو مواجه است نمیتواند به نادری به شکل موثر کمك نظامی نماید و به همین علت است که نیروهای نادری در هر سنگر نا چار به عقب نشینی گردیده اند .

جالب اینجاست که وقتی نیروهای شورای همآهنگی قندز را اشغال کردند از حمله‌ء قریب الوقوع به تخار و اشغال این ولایت نیز سخن می گفتند و چنین وانمود میکردند که کار تخار و بدخشان نیز تا چند روز دیگر یکسره خواهد شد و قسمت اعظم از سمت شمال تحت کنترول آنان در خواهد آمد اما نکته‌ء که آنان از درك آن عاجز بودند این بودکه آنها روحیه‌ء ضد ملیشه در میان مجاهدین را بصورت درست درك نکرده بودند و فکر میکردند با ساختن پرده ئی بنام شورای همآهنگی میتوانند مخلوطی از مجاهد و ملیشه را جلوه‌ء نو بخشند و ملت را اغفال نموده و آنانرا لا اقل در برابر این تشکل جدید بیطرف و بی تفاوت نگهدارند ولی چنین نشد .

در ولسوالی خان آباد ملیشه ها علنا به خوردن روزه پرداختند و دست به اعمال نا مشروع زدند .مردم به علما مراجعه کردند و خواستار امر و دستور آنان گردیدند جمعی از علمای با عمل بر خاستندو.مردم را به قیام علیه شورای همآهنگی فرا خواندند که به قیام مردمی بشکل وسیع آن منجر شد . رهبری این قیام را مولوی عجب گل بعهده داشت مولوی صاحب عجب گل با این عمل خویش نشان داد که برای وی اسلام وحفظ اساسات شرع بالا تر از گرایش های تنظیمی است مولوی صاحب عجب گل خود وابسته به حزب اسلامی که یکی از جناحهای تشکیل دهنده‌ء شورای همآهنگی است می باشد وی از طرف حکمتیار از سالها قبل بحیث امیرجهاد ولایت قندز تعیین گردیده بود .

شورای همآهنگی با این شکست های پیهم به مشکل بزرگی مواجه گردیده و آن اینکه مورال نیروهای آنان به سختی صدمه دیده است . برای اینکه شورای هماهنگی توانسته باشد از شکست وریخت بیشتر روحیه‌ء آنان جلوگیری نماید بعداز آتش بس موقت ایام عید مجددا راکت باران کابل را از سر گرفت .

جانب دولت قبلااعلام نموده بود که حاضر است بصورت یك جانبه آتش بس را بپذیرد و از حمله‌ء متقابل به طرف مقابل تا آنگاه که موردحمله قرار نگرفته است خود داری ورزد و به این ترتیب نیروهائی که در تلاش یافتن راه حلی برای صلح اند فرصت یابند تا باخیال راحت تر درین زمینه کار کنند ولی طرف مقابل این پیشنهاد را نپذیرفت و با پخش اوراق تبلیغاتی در بعضی از نواحی شهر کابل از حمله‌ء وسیع و همه جانبه به کابل سخن میگوید و از مردم بیچاره و مظلوم کابل میخواهدکه این شهر را ترك کنند!!

بصورت خلاصه میتوان گفت که در شرایط فعلی شورای هماهنگی برای پوشانیدن شکست ها و ضعف های خود به مشکلات و مصیبت های مردم کابل می‌افزاید زیرا از نظر آنان برای رسیدن به هدف هر وسیله ئی مشروع وهر عملی مجاز است اما همه چیز حتی گذشت زمان نیز بر شکست این عناصر شاهد است که پس از هفته ها جنگ هیچ دست آوردی نداشته اند.

ددایمی سولی په خاطر دوزیرانو شورا طرحه

کابل ، داتحاد اسلامی خبر یال دوری (۲) :

دافغانستان داسلامی دولت دوزیرانو شورا دروانو حالاتو دسمون په خاطر غونډه وکړه او دهغی په ترځ کی یو پریکړه لیك صادر کړ .

په پریکړه لیك کی راغلی چی جګړه دحل لارنه ده او باید جهادی ګوندونه خپل اختلافات دخبرواتروله لارې حل کړي. (?)

دخبرواتړاو جلال آباد دمعاهدی په رڼا کی حل کړی ، دپریکړه لیك له مخی دسولی یو اجرائیه هیت به ډیر زر جوړشی چی په هغه کی به دګوندونو مشران یا دهغوی یو ،یو استازی یو ، یو تن دسولی له نورو هیتونو څخه ، دوه تنه دکابینی دسولی له هیئت څخه او شپږتنه به دټولنی منورینو علماو اومشرانو پکی ګډون لری ، دا هیئت به بنسټ ایښودونکی شورا ټاکی چی هغی کی به دهر جهادی تنظیم نه دری ،دری تنه دلومړی درجی ولایت نه دوه تنه او هر مهم ولایت نه یو یوتن، او دهیواد دنورو منورینو ،علماو ،قومی مشرانو څخه چی که دهیواد په دننه او یا بهرکی وی شل تنه او داجرائیی هیئت نه پنځه تنه شامل وی ، دا شورا به یوه دقیقه او پراخه طرحه جوړوی چی ټولو هغو مسلمانانو اړخونو ته چی په جګړی کی ښکیل وی دمنلو وړاو قناعت بخښوونکی وی ددی پرته به داشورا یوه لویه شورا دهغو خلکو نه جوړوی چی درایی ورکوٲهلیت ولری او دافغانستان دټولو قومونو نماینده ګان پکی ګډون ولری دا لویه شورا به بیا مستقل پارلمان ټاکی او دهیواد دراتلونکی سرنوشت فیصله به کوی په پریکړه لیك کی ویل شوی چی دلوی شورا دغړو د شمیر ، صفتونو او دانتخاب طریقه به بنسټ ایښودونکی شورا ټاکی اودوی به دلوی شورا دجوړیښت دنګرانی لپاره ملګری ملتونه اواسلامی کنفرانس رابولی .

په پریکړه لیك کی زیاته شوی چی بنسټ ایښودونکی شورا باید دڅور تراڅمی جوړه شی او دلوی شورا په جوړیدوسره به یی کار پای ته ورسیږی .

په پریکړه لیك کی داهم ویل شوی چی داشورا دحل او عقد شورا سره مطابقت لری .

دپریکړی په باب دکابینی دسولی دهیئت یوغړی وویل : په دی باب مونږ داستاد سیاف، مولوی محمد نبی محمدی ، مولوی محمد یونس خالص ، پیر سید احمد ګیلانی ، قاضی محمد امین «وقاد » دجلال آباد شورا دپاکستان دبهرنیو چاروورازت دملګرو ملتوله خاص استازی اوپاکستان کی زیاتو بهرنیو سفیرانو سره خبری کړی او هغوی په دی باب ډاډګیرنه راکړی .

ازبکستان در افغانستان مداخله می کند / رئیس جمهور ربانی

استاد برهان الدین ربانی رئیس دولت اسلامی افغانستان در یك کنفرانس مطبوعاتی که روز سه شنبه دوم حمل ۷۳ در قصر ریاست جمهوری دائر گردیده بود ، ازبکستان را متهم کرد که درامور داخلی افغانستان مداخله می کند وازبکستان یکی از حلقات خارجی مداخله گر در امور داخلی افغانستان است .

استاد استعفای خودرا منتفی دانسته فرمودند: تقاضای استعفا بیمورد است واستعفای بنده انارشیزم وهرج ومرج را در کشور بار می آورد واین راه حل مسئله نیست .

استاد فرمود :من حاضرم باحکمتیار مذاکره نمایم مگر با دوستم مذاکره امکان ندارد .

رئیس جمهور افغانستان گفت : تنها بعدازتشکیل یك اردوی ملی امنیت درکابل برقرار شده می تواند.

وی اضافه کرد : ما با پاکستان روابط برادرانه داریم وحوادث سفارتخانه های هردو کشور براین روابط تاثیری ندارد .

فتوحات چشمگیر مجاهدین در بغلان

بعداز فتح مجدد کندز توسط نیروهای مجاهدین وپاکسازی آن از لوث وجودملیشه های غارتگر دوستم ، سلسله‌ء شکست های خفت بار ورسوا کننده‌ء ملیشه هاادامه دارد وسپاهیان دولت اسلامی ومجاهدین قهرمان روز تا روز سنگر های شیطانی ملیشه کمونستهارا درهم می کوبند ومواضع مهم شان را تصرف می نمایند . بعد از فتح دوشی واندراب وخنجان اینك مجاهدین در تازه ترین عملیات حوش دره‌ء اشرف وچنددره‌ء مهم تحت کنترول ملیشه های کیانی ودوستمی را تصرف کرده وعلاوه بر اسلحه ومهمات بسیارزیاد در حدود هزارتن از افراد ملیشه را زنده گرفتار نموده اند درجمله‌ء این اسیر شدگان دوجنرال ملیشه بنامهای جنرال حسین وجنرال غلام رسول نیز شامل اند وده ها قوماندان دیگر ملیشه ها نیز در جمله‌ء اسیر شدگان اند .

قرار معلوم درین جنگها مجاهدین همه‌ءتنظیمهای جهادی در پهلوی سپاهیان دولت اسلامی علیه ملیشه ها جنگیده اند واز سوی دیگر یك طیاره‌ءجنگی دوستم در مزار شریف از طرف مجاهدین سقوط داده شده واین چهاردهمین طیاره‌ء جنگی دوستم است که توسط نیروهای دولت اسلامی سقوط داده می شود وغالبااین طیاره یکی از چهار طیاره‌ء جنگی است که دوستم بعداز فلج شدن نیروی هوایی اش از حکومت کمونست ازبکستان به دست آورده‌ ابت !

په خوست کی دکمونیستانو یوه ډلګی وځپل شوه

د ډلی مشر سعادت ګل آهنګر سره د(۷۰) تنو نیول شوی

خوست ، داتحاد اسلامی خبریال د وری (۲) :

په خوست کی دکمونیستانو یوه ډلګی چی مشری یی مشهور او پیژندل شوی کمونیست سعادت ګل آهنګر کوله وځپل شوه اودهغوی (۷۰) تنه نیول شوی .

داتحاداسلامی دخبر له مخی دخوست شورا څو ځلی دی افرادوته خبر داری ورکړ چی ناوړه تبلیغات اودشورا او مجاهدینو پر ضد دانسجام ختی دی پریږدی خو هغوی دمجاهدینو عفوی نه په استفادی سره خپل فعالیتونه بیا پیل کړی و او داسی ښکاریده چی دوی دتنی او ځینو نوروکمونیستانو لخوا هڅول شوی او ډاډګیرنه ورکړ شوی وه بالاخره شورامجبوره شوه چی دهغوی پرضد عمل وکړی .

خبر زیاتوی دنیولو په دوران هغوی دشورا امنیتی افرادوسره برخورد هم وکړ خودلنډ مقاومت وروسته ونیول شول او اوس تر تحقیق لاندی دی .

خبرپه پای کی لیکی خوست ښار او شاوخوا سیمو کی اوس آرامی ده شورا خپلی هڅی ګړندی کړی دی او هغه ټول افراد یی تر څارنی لاندی نیولی چی دکمونیستو ګوندونو سره یی اړیکی درلودی .

هفته نامه‌ء
اتحاد اسلامی
بیانگر آرمان اتحاد اسلامی افغانستان
صاحب امتیاز: اتحاد اسلامی افغانستان
سال تأسیس: عقرب ۱۳٦٤ هـ ش
ناشر: بخش فرهنگی ریاست دعوت و ارشاد
آدرس: کابل . وزیر اکبر خان مینه . روبروی مسجد جامع
آدرس پستی درپشاور:
G.P.O. Box (786)
PESHAWAR - PAKISTAN